

کوردستان

ارگان حزب دموکرات کوردستان ایران

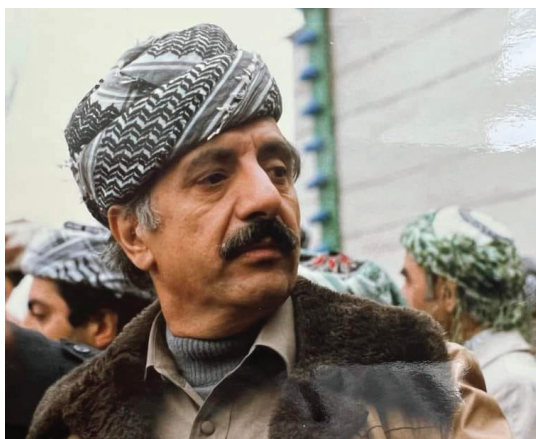
www.kurdistanmedia.com

شنبه، ۳۰ دی ۱۴۰۲ - ۲۰ ژانویه ۲۰۲۴

شماره ۸۶۳

تامین حقوق ملی خلق کورد در چهارچوب ایرانی دموکراتیک و فدرال

جمهوری کوردستان از دیدگاه دکتر قاسملو



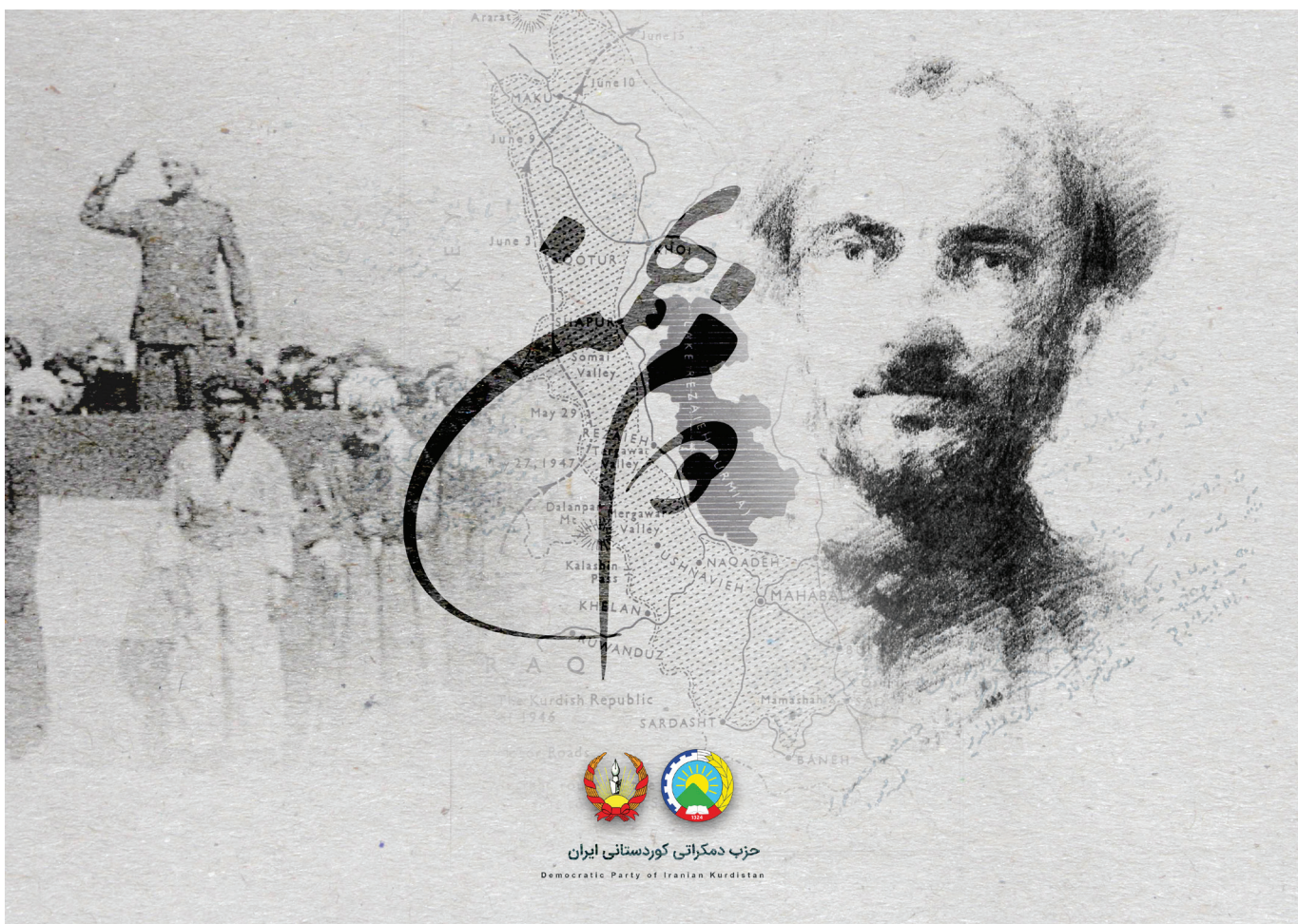
«جمهوری کوردستان همچون ستاره‌ای درخشان در آسمان تاریخ و مه‌آلود دوران استثمار و زیردستی ملت کورد می‌درخشد. برای نخستین بار در تاریخ ملت کورد و با تاسیس جمهوری کوردستان این ملت به آرزوی دیرینه‌ی خود رسید و احساس کرد که سرنوشت خود را خود به دست گرفته و در سرزمین خویش بیگانه نبوده و بر سرنوشت خود حاکم است. جمهوری کوردستان، جمهوری‌ای ملی بود، و برای اولین بار در تاریخ ملت کورد رهبری جنبش در دست مالک، رئیس عشیره یا شیخی نبود.

جمهوری کوردستان محصول جنبشی دموکراتیک بود. در این جنبش همه‌ی اقشار و طبقات دموکراتیک جامعه کوردستان حضور داشتند.»

(دکتر عبدالرحمن قاسملو، کتاب «کوردستان و کورد»)

حملات موشکی رژیم علیه اقلیم کوردستان و کشورهای همجوار

تلاش عقیم برای خروج از بن‌بست سیاسی و شکست صدور انقلاب



بیانیه

به مناسبت ۷۸مین سالروز اعلام جمهوری کوردستان

هم‌میهنان ارجمند!

مبارزان حقل کوردستان!

۷۸ سال پیش و در نتیجه‌ی تحولات سیاسی جنگ جهانی دوم و با تجربه گرفتن از فرصتهای از کف رفته‌ی جنبش‌های پیشین کوردستان و در نتیجه‌ی ارزیابی و تحلیل سیاسی دقیق رهبری حزب دموکرات کوردستان، بویژه پیشوا قاضی محمد، جمهوری کوردستان، بعنوان نخستین تجربه‌ی حکمرانی مدرن کورد در روز دوم بهمن ماه ۱۳۲۴ خورشیدی (۲۲ ژانویه ۱۹۴۶) در میدان «چوارچرا» شهر مهاباد، اعلام شد.

آرمانها و دستاوردهای والا و تأثیربخشی جمهوری کوردستان بر جنبش ملی خلق کورد در کلیت خود، تاکنون نیز درون‌مایه و سرمایه‌ی بسیار ارزشمند و مقدس جامعه‌ی کوردستان و جنبش سیاسی مشروع و برحق آن است. تأسیس جمهوری کوردستان و بنیان نهادن نهادهای هویت‌طلبانه‌ی آن، همچون تشکیل ساختار حاکمیتی ملی، بر افراشتن پرچم کوردستان، تشکیل سپاه ملی کوردستان (پیشمرگ) و ساختن سرود ملی و دستاوردها و رهاوردهای مدرن بسیار دیگر، تاکنون نیز بخش بسیار تثبیت شده و پابرجای هویت ملی خاک و مردم کوردستان بشمار می‌روند. همچنین آرمانهای جمهوری کوردستان که متضمن حقوق و آزادیهای ملی و دموکراتیک ملت کورد در شکل و شیوه‌ی مناسب خود است، تاکنون نیز راهنمای رهروان این خط مشی هستند.

هرچند عمر جمهوری کوردستان پس از یک حیات کوتاه ۱۱ ماهه، با حمله‌ی نظامی رژیم پادشاهی به کوردستان پایان یافت و رئیس جمهور کوردستان، پیشوا قاضی محمد به جرم تحقق یکی از آرزوهای دیرینه‌ی ملت خویش اعلام شد، اما جمهوری در ذهن و اندیشه‌ی تمامی انسانهای آزادیخواه حقل کورد...

ادامه در ص ۲

کشته و زخمی شدن ۲۷ تن

در اثر انفجار مین در سال ۲۰۲۳

انفجار مین‌های به جای مانده از جنگ ۸ ساله ایران و عراق و همچنین مین‌هایی که طی سال‌های اخیر توسط سپاه پاسداران کاشته شده‌اند همچنان در ایران قربانی می‌گیرد.

به سازمان حقوق بشری هنگاو، طی سال گذشته میلادی دستکم ۷ تن در اثر انفجار مین و مهمات جنگی عمل نکرده در مناطق مرزی کشته شده و ۲۰ تن دیگر نیز مجروح و یا قطع عضو شده‌اند. بر طبق این گزارش، بیش از ۹۶٪ قربانیان انفجار مین در کوردستان بوده و یک نوجوان عرب هم در استان اهواز مجروح شده است. همچنین طی سال گذشته دستکم ۵ کودک و نوجوان زیر ۱۸ سال و یک زن قربانی انفجار مین شده‌اند. طی سال گذشته بیشترین قربانیان مین در مرزهای استان سندج با ۱۲ مورد ثبت شده پس از آن استان‌های ایلام و ارومیه با پنج مورد جای گرفته‌اند. اما استان ایلام با ۴ کشته بیشترین موارد کشته‌شدگان را به خود اختصاص داده است. همچنین بیشترین قربانیان مین طی سال گذشته شهروندان عادی بوده‌اند که ۱۵ مورد می‌باشد، همچنین ۱۱ کارگر و کولبر نیز قربانی انفجار مین شده‌اند.

گفتنی است کنوانسیون اتاوا دولت‌ها را ملزم به منع تولید، انبار و انتقال مین‌های ضد نفر کرده است، اما جمهوری اسلامی ایران با وجود داشتن قربانیان زانداالوصف مین تاکنون به این کنوانسیون ملحق نشده است.

مرکز اجرایی حزب دموکرات:

تعرض نظامی به عراق و اقلیم کوردستان را محکوم می‌کنیم

در مجاورت اهداف این حملات وارد آمده است. سپاه پاسداران جمهوری اسلامی در آخرین اطلاعیه‌ی خود ضمن بر عهده گرفتن مسئولیت این حمله‌ی تروریستی، انتقام از آمران و عاملان انفجارهای کرمان و کشته‌شدن چند تن از مهره‌های خود در سوریه را بهانه این حملات تروریستی قرار داده و گفته است که گویا اهداف مورد حمله، محل تجمع نهادهای جاسوسی علیه ایران بوده‌اند، که نهادهای رسمی اقلیم کوردستان این ادعای سپاه را تکذیب و رد کرده‌اند.

حزب دموکرات کوردستان ایران که خود قربانی تروریسم جمهوری اسلامی ایران است و یک سال پیش و در جریان انقلاب ژینا مقرات و پایگاه‌های آن از سوی سپاه پاسداران رژیم هدف حملات موشکی قرار گرفت، این حملات تروریستی و تجاوز آشکار جمهوری اسلامی علیه عراق و اقلیم کوردستان را محکوم کرده و همزمان به خانواده و نزدیکان شهدای این حمله تروریستی تسلیت گفته و آرزوی شفای عاجل مجروحان را دارد.

حزب دموکرات کوردستان ایران

مرکز اجرایی

۲۶ دی ۱۴۰۲ شمسی



شامگاه ۲۶ دی‌ماه ۱۴۰۲ (۱۶ ژانویه ۲۰۲۴ میلادی) چند ناحیه‌ی مدنی در اربیل، پایتخت اقلیم کوردستان از سوی سپاه پاسداران جمهوری اسلامی آماج حملات موشکی قرار گرفتند. در نتیجه این تجاوز آشکار سپاه پاسداران به اقلیم کوردستان و محل اقامت نمایندگان و دیپلماتکاران کشورهای خارجی و فرودگاه بین‌المللی اربیل و بویژه منزل مسکونی یکی از سرمایه‌داران اقلیم کوردستان، متأسفانه پیشرو دزویی و چند تن از اعضای خانواده‌اش شهید و ده‌ها نفر مدنی دیگر زخمی شده و خسارات مادی فراوانی به شهروندان

تهران،

جولانگاه تروریستان

زانیار حسینی

۶

نقش جمهوری کوردستان

در ناسیونالیسم کورد

البرز روئین تن

۵

اصرار بر سیاست انکار و

سرکوب تحت لوای اتحاد ملی

فریبا محمدی

۴

مفهوم دشمن

در اندیشه‌های کارل اشمیت

احسن حسن‌پور

۳

چرایی حضور

سپاه قدسی در یمن؟

عادل دره‌خشانی

۲

.... زنده باقی ماند و در جریان مبارزه‌ی ده‌ها ساله‌ی مردم کوردستان، آرمانهای جمهوری کوردستان، آرمان کلیه‌ی مبارزان راه‌رهای میهن است.

حال در زمان و شرایطی یاد و خاطره‌ی اعلام جمهوری کوردستان را گرامی می‌داریم که جنبش ملت کورد در کوردستان ایران با وجود آنکه به آرمانهای جمهوری کوردستان دست نیافته است، اما مراحل دشوار و پرفراز و نشیب بسیاری را در راستای تحقق آنها پشت سر نهاده است. حزب دموکرات کوردستان ایران که مؤسس و میراث‌دار جمهوری کوردستان است، علیرغم تحمل ده‌ها زخم عمیقی چون شهادت هزاران کادر و پیشمرگش در عرصه‌ی رویارویی با هر دو سیستم پادشاهی و جمهوری اسلامی، ترور رهبران برجسته‌اش همچون دکتر قاسملو و دکتر شرفکندی توسط رژیم جمهوری اسلامی ایران، حمله‌ی موشکی و منفجر کردن مراکز و قرارگاه‌هایش از سوی باند تروریستی سپاه پاسداران رژیم و جراحات بسیار دیگر، کماکان پابرجا باقی مانده و مایه‌ی امید مردم کوردستان است.

در ادامه‌ی روند مبارزه‌ی حق طلبانه‌ی کورد در کوردستان ایران، گسترده‌ی جنبش حقیقی طلبانه‌ی مردم کوردستان در مقایسه با دوران جمهوری کوردستان، وسعت بیشتری یافته و توده‌ای‌تر نیز شده است. احساس و باور هویت‌طلبانه، بر بسیاری از ویژگی‌های سنتی دیگر جامعه‌ی کوردستان سایه افکنده است و به همین دلیل در مقایسه با گذشته اتحاد و انسجام بیشتری در رفتار و عملکرد توده‌های مردم کوردستان مشاهده می‌گردد.

حال که پس از ۷۸ سال از اعلام جمهوری کوردستان، به نقش و تأثیرات افشار و طبقات جامعه‌ی کوردستان در پیشبرد مبارزه‌ی حق طلبانه‌ی خلقمان می‌نگریم، بیش از همیشه پاسخگو بودن عقلانیت مدنی و سیاسی جمهوری کوردستان را جهت عمومیت بخشیدن فزونی‌تر به این مبارزه را احساس می‌کنیم. هنگامیکه مبارزان داخل کشور با ایجاد اتحادها، تشکلهای و انجمن‌های گوناگون، خود را در چارچوب جنبش هویت‌طلبانه‌ی گسترده‌ی ملتشان مسئول می‌بینند و تقبل مسئولیت می‌کنند، ایجاد این احساس مسئولیت در افشار و طبقات است که یک قالب توده‌ای و همه‌جانبه به جنبش یادشده می‌بخشد، همانگونه که پیشوای کبیر با تشکیل اتحادیه‌های جوانان و زنان کوردستان، در راستای شرکت کلیه‌ی افشار و طبقات در امور سیاسی و اجتماعی تلاش می‌ورزید.

همچنانکه در خیزش ژینا معلوم گشت، در شرایط فعلی جنبش مردم کوردستان، سطح بالای هشیاری ملی، سازماندهی یکپارچه‌ی جامعه، رفتار و برخوردهای متمدانه‌ی پرمعنا، شرکت اکثر افشار و طبقات جامعه در چارچوب رفتارها و حرکت‌های عمومی و مردمی، دوری جستن از هر گونه تفکر تندروانه و تعصب آمیز، جا افتادن تحزب و اعتماد مردم به احزاب، مصمم بودن بیشتر جامعه‌ی در مقابله با طرز تفکر و سیاستهای ضدخلق حاکمیت مرکزگرا، آن معیار و ویژگی‌هایی هستند که ثابت می‌کنند کوردستان در تحولات سیاسی و اجتماعی ایران از جایگاه، پیام و نقش ویژه‌ی خود برخوردار است.

جمهوری اسلامی ایران که اکنون و در نتیجه‌ی حدود ۴۵ سال سرکوب و خودکامگی و نقض حقوق و آزادیهای خلقهای ایران و در پیش گرفتن سیاست جنگ افروزانه‌ی صدور انقلاب، در سطح داخلی و بین‌المللی از جمله منفورترین حاکمیت‌های دوران حاضر است، متأسفانه بنا به دلایل گوناگون و از همه مهمتر عدم وجود یک آلترناتیو پاسخگو که بتواند اعتماد خلقهای ایران را پشت سر خود داشته باشد، سایه‌ی شوم آن برسر مردم و کشور باقی مانده است. اما بر کسی پوشیده نیست که به طول انجامیدن بیشتر این خودتحمیلی، نه ناشی از پایگاه و مشروعیت و نه نشانه‌ی تسلیم شدن خلقهای آزادی‌خواه ایران است. همانگونه که توده‌های مردم و ملت‌های ایران در تازه‌ترین قیام گسترده‌ی "زن، زندگی، آزادی" نشان دادند، جنبش اعتراضی مردم علیه کلیت این رژیم پرشورتر از همیشه در جریان است و روزی نیست که خیابانهای کشور بر عرصه‌ی "نه گفتن" به جمهوری اسلامی ایران تبدیل نشوند که در مقابل با تجاوز عریان، بازداشت و شکنجه، احکام سنگین و بدار آویختن مبارزان کشور، پاسخ داده می‌شوند.

حزب دموکرات کوردستان ایران همچون همیشه با اهمیت دادن به بستر واقعی مبارزه‌ی در داخل کشور علیه حاکمیت جمهوری اسلامی ایران، تلاش جهت تشکیل اتحاد و یکپارچگی میان تنوعات گوناگون، فعالیت در راستای ایجاد همبستگی میان اپوزیسیون ترقی‌خواه کورد و ایرانی در داخل و خارج از کشور، در مقام مؤسس جمهوری کوردستان و میراث‌دار این دستاورد تاریخی و ملی، همچون همیشه خود را در راه تحقق آرمانهای جمهوری کوردستان و تداوم بخشیدن و گسترش جنبش کوردستان، مسئول می‌داند.

در ۷۸مین یادروز اعلام جمهوری کوردستان، ضمن عرض تبریک به توده‌های مردم کوردستان و تمامی حق‌طلبان راه‌رهای ایران و کوردستان از چنگ دیکتاتوری، به روان پاک مؤسسين جمهوری کوردستان، در صدر همه، رئیس جمهور کوردستان، شهید پیشوا قاضی محمد درود می‌فرستیم.

حزب دموکرات کوردستان ایران
مرکز اجرایی

چرایی حضور سپاه قدس در یمن؟ (۱)



الإعلام

استراتژی ضد دسترسی که توسط دانشگاه امام حسین وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در سال ۲۰۱۲ منتشر شد، عنوان ملث استراتژیک دریایی، جنگ دریایی نامنظم، استراتژی برای جلوگیری از حمله احتمالی علیه منافع ایران، خواستار اقدام تلافی جویانه با برهم زدن تنگه‌های سه گانه دریایی بود که از تنگه هرمز تا تنگه باب المندب در دریای سرخ و تنگه ملاکا در اقیانوس هند کشیده شده است. نیرو دریایی سپاه ایران، همراه با نیروی دریایی منظم، قصد داشت از قابلیت‌های سنتی ضد دسترسی، انکار منطقه مانند موشک‌های ضد کشتی زمینی و دریایی و مین‌های دریایی استفاده کند. تاکتیک‌های نامتقارن چریکی خواستار استقرار قایق‌های سریع برای انجام عملیات‌های پر ازدحام، قایق‌های انتحاری توسط انسان و قایق‌های بدون سرنشین پر از مواد منفجره بود.

استراتژی ضد دسترسی که توسط دانشگاه امام حسین وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در سال ۲۰۱۲ منتشر شد، عنوان ملث استراتژیک دریایی، جنگ دریایی نامنظم، استراتژی برای جلوگیری از حمله احتمالی علیه منافع ایران، خواستار اقدام تلافی جویانه با برهم زدن تنگه‌های سه گانه دریایی بود که از تنگه هرمز تا تنگه باب المندب در دریای سرخ و تنگه ملاکا در اقیانوس هند کشیده شده است

تا زمانی که حوثی‌ها در پایگاه کوهستانی خود در صعدہ محصور بودند، ایران کمک‌های مادی کمی به حوثی‌ها می‌کرد. در سال ۲۰۰۹، نیروی دریایی یمن یک قایق کوچک سلاح‌های ایرانی را توقیف کرد، اما چیز کمی وجود داشت که نشان دهد



عادل درخشانی

سپاه در این پروژه سرمایه‌گذاری کرده است. اما اوضاع تغییر کرد، در زمان اعتراضات گسترده در صعدہ، سرتیپ رسول سنایی راد که به‌عنوان معاون رئیس سپاه در امور سیاسی منصوب شد، فرصتی را برای پیشبرد حوثی‌ها در میان هرج و مرج فزاینده مشاهده کرد. سنایی راد به عنوان سخنگوی نیمه رسمی انصارالله یمن، به حوثی‌ها قول داد مشاورانی بفرستد و به مردم فقیر یمن که مورد آزار و اذیت عربستان قرار دارند، کمک کند. با این حال، مشخص نیست که آیا سپاه پشت تصمیم انصارالله برای گرفتن صعدہ و پیشروی به جنوب بوده است. در آگوست ۲۰۱۵، باراک اوباما در یک کنفرانس مطبوعاتی گفت که ایرانیان سعی کردند حوثی‌ها را از پیشروی به صعدہ و فراتر از آن منصرف کنند. با این حال، منتقدان کاخ سفید را به بیگانه‌نمایی جمهوری اسلامی ایران برای محافظت از مشروعیت برجام متهم کردند. دیگر ناظران استدلال می‌کنند که روابط بین سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و رهبران حوثی معاملاتی است، یعنی روابط با نظم پایین‌تر با ورود محدود به روند تصمیم‌گیری انصارالله. طبق این سناریو، ایرانی‌ها نمی‌توانستند حوثی‌ها را از تصمیم سرنوشت‌ساز منصرف کنند.

شرایط تصمیم هر چه باشد، تبدیل حوثی‌ها از یک گروه قبیله‌ای به یک نیروی نظامی منضبط چریکی حیرت‌انگیز نبود. مسلماً، توافق صالح با حوثی‌ها از زمان پیوستن بخشهایی از ارتش یمن وفادار به رئیس‌جمهور سابق به شورش نقش مهمی داشت. به حوثی‌ها امکان دسترسی به پایگاه‌ها و تجهیزات از جمله تانک، هلی‌کوپتر و موشک را می‌داد. به گفته کارشناسان، در بسیاری از موارد، پیشروی به سمت جنوب چیزی بیشتر از تصرف دوستانه پایگاه نظامی موجود یا انبار اسلحه نبود. هنوز، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و شریک حزب‌اللهی آن شایسته اعتبار قابل توجهی برای تبدیل حوثی‌ها به جنگجویان مهیب جنگ نسل چهارم با هدف تبدیل یمن به نقطه دسترسی به تنگه باب المندب بودند.

پس از اخراج اسامه بن لادن از سودان، ایرانی‌ها از طرح خود برای محاصره عربستان سعودی از غرب منصرف شدند. با این حال، برنامه ریزان جمهوری اسلامی هدف گسترده خود را برای تقویت بازدارندگی ایران از طریق استراتژی به اصطلاح ضد دسترسی، انکار منطقه کنار نگذاشتند. استراتژی دریایی معروف، ضد دسترسی، انکار منطقه ضد دسترسی، به‌عنوان خانواده‌ای از توانایی‌های نظامی استفاده می‌شود که برای جلوگیری یا محدود کردن استقرار نیروهای مخالف در یک صحنه عملیاتی خاص و کاهش آزادی مانور آنها در یک صحنه استفاده می‌شود. قدرت‌های دریایی از استراتژی ضد دسترسی، انکار منطقه برای ایجاد نقاط تنگا در معابر حیاتی استفاده کرده‌اند.

در طول جنگ ایران و عراق، ایران از استراتژی ضد دسترسی، انکار منطقه برای ایجاد اختلال در حمل و نقل نفت در تنگه هرمز استفاده کرد. در سال ۱۹۸۵، آیت الله خمینی به سپاه دستور داد یک واحد دریایی به نام نیرو دریایی سپاه ایران به فرماندهی حسین علایی ایجاد کند. در ابتدا، نیرو دریایی سپاه ایران درگیر جنگ نفت کش‌ها شد، حملات قایق‌های کوچک به تانکرهای نفتی که از تنگه‌ها عبور می‌کردند، ایالات

متحده را وادار به شروع عملیات نگهبانی و محافظت کرد. در آوریل ۱۹۸۸، مین‌های ایرانی به یکی از کشتی‌های آن آسیب رساندند، ایالات متحده عملیات آخوندک را آغاز کرد که در کنار آن، دو ترمینال نفتی دریایی ایران را نابود کرد و آیت‌الله خمینی را وادار به پذیرش آتش بس با عراق کرد. شکست نیرو دریایی سپاه ایران، سپاه را تحریک کرد تا به دنبال یک استراتژی بهبود یافته ضد دسترسی، انکار منطقه باشد. در ۲۵ ژانویه ۲۰۰۵، مجتبی نوالنور، یک مقام عالی رتبه در سپاه تروریست پاسداران اظهار داشت که "این [جنگ دریایی] نقطه ضعف دیگر دشمن است زیرا ما روش‌های خاصی برای جنگ در دریا داریم، بنابراین جنگ را به دریای عمان و اقیانوس هند می‌کشانیم."

فرماندهان سنتکام از اهداف نیرو دریایی سپاه ایران آگاه بودند. در سال ۲۰۰۶، ژنرال جان ابی زید اظهار داشت که استراتژی نیروی دریایی سپاه در درجه اول برای درونی ساختن یک درگیری با خفه کردن صادرات نفت از طریق تنگه هرمز طراحی شده است. ژنرال لوید آستین در جلسه سنا گفت: "ایران جاه طلبی‌های هژمونیک را حفظ می‌کند و از طریق به کارگیری قابلیت‌های مختلف ضد دسترسی و انکارمنطقه تهدیدی برای منطقه خواهد بود." مارک گانزگینر، آن را "ضد دسترسی / انکار منطقه با پیچ و تاب ایرانی نامید و خاطرنشان کرد که با وجود منابع معمولی ناوگان دریایی، ایران به دنبال استفاده از شبکه گسترده‌ای از نایبان و گروه‌های نیابتی برای ایجاد اختلال در عبور و مرور خلیج و مانع عملیات آمریکا است.

با این حال، حتی کسانی که بیشتر با برنامه‌های ضد دسترسی، انکار منطقه ایران آشنا هستند، متوجه نشدند که درگیری در یمن بلندپروازی تهران را گسترش می‌دهد. در سال ۲۰۰۹، یک کشتی ایرانی برای جمع‌آوری اطلاعات موقعیتی را در نزدیکی مجمع‌الجزایر دهلک اریتره به دست گرفت تا از این طریق ترافیک دریایی را کنترل کند. در همان سال، گزارش‌ها حاکی از آن بود که تهران به دنبال راه‌هایی برای سرمایه‌گذاری در بندر میدی یمن است. ایران با بیان نظر درباره باب المندب، یک گذرگاه بین دریای سرخ و اقیانوس هند، تلاش کرد یمن را به منطقه‌ای برای درگیری تبدیل کند. همچنین، در سال ۲۰۰۹، نیروی دریایی یمن یک کشتی ایرانی را که حامل محموله نظامی بود بین میدی و حدیده، بندر مهم دریای سرخ، رهگیری کرد.

با پیشروی پیروزمندانه حوثی‌ها به سمت جنوب، آیت‌الله خامنه‌ای به اندازه کافی اعتماد به نفس پیدا کرد تا به نیرو دریایی سپاه ایران تحت فرماندهی امیر دریادار علی فدوی دستور دهد تا بر روی نقشه بلند پروازانه ۲۰ ساله ضد دسترسی، انکار منطقه کار کند (در فارسی به‌عنوان استراتژی ضد دسترسی شناخته می‌شود). این سند توسط دانشگاه امام حسین وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در سال ۲۰۱۲ منتشر شد، عنوان ملث استراتژیک دریایی، جنگ دریایی نامنظم، استراتژی برای جلوگیری از حمله احتمالی علیه منافع ایران، خواستار اقدام تلافی

جویانه با برهم زدن تنگه‌های سه گانه دریایی بود که از تنگه هرمز تا تنگه باب المندب در دریای سرخ و تنگه ملاکا در اقیانوس هند کشیده شده است. نیرو دریایی سپاه ایران، همراه با نیروی دریایی منظم، قصد داشت از قابلیت‌های سنتی ضد دسترسی، انکار منطقه مانند موشک‌های ضد کشتی زمینی و دریایی و مین‌های دریایی استفاده کند. تاکتیک‌های نامتقارن چریکی خواستار استقرار قایق‌های سریع برای انجام عملیات‌های پر ازدحام، قایق‌های انتحاری توسط انسان و قایق‌های بدون سرنشین پر از مواد منفجره بود.

اشغال صعدہ توسط حوثی‌ها در سال ۲۰۱۴ چشم انداز جدیدی را برای ایرانیان باز کرد. قاسم سلیمانی این تحول را "فرصتی طلایی" توصیف کرد. علیرضا زاکانی، عضو تندر مجلس را واداشت تا اظهار داشت که ایران اکنون چهار پایتخت، بیروت، بغداد، دمشق و صعدہ را تحت کنترل دارد. زاکانی تنها کسی نبود که به پروژه در حال انجام ایران مبنی بر گسترش هلال شیعه تا لبه جنوبی آن اشاره کرد. حتی حسن روحانی، رئیس‌جمهور به‌اصطلاح میانه‌رو ایران نیز به این قضیه پیوست. در فوریه ۲۰۱۵، او کنترل حوثی‌ها بر صعدہ را به‌عنوان پیروزی درخشان و چشمگیر ستود. همانطور که در بالا ذکر شد، ایرانیان پس از ناامنی و بی‌ثباتی در داخل پادشاهی سعودی، درگیری با شدت کم در مرز عربستان را بهترین مورد بعدی دانستند.

همانند سایر برنامه‌های نیابتی سپاه قدس، یافتن راه‌های موثر برای انتقال سلاح کلیدی بود. تصرف حوثی در صعدہ و بندر حدیده مشکلات لجستیکی تحویل سلاح‌های قدس را حل کرد. تا سال ۲۰۱۲، واحد انتقال سلاح‌های سپاه (واحد ۱۹۰) به فرماندهی سرتیپ بهنام شهریاری و سرتیپ سید جبار حسینی به دنبال راه‌هایی برای قاچاق اسلحه به یمن بود. هنگامی که انصار الله صعدہ را تصاحب کرد، هواپیمای ماهان ایر، هواپیمای سپاه، برای ایجاد پل هوایی حرکت کرد، که با دو پرواز روزانه آغاز شد. بعداً یک ناوچه ایرانی محموله‌های جمهوری اسلامی را به بندر حدیده تحویل داد.

با این حال، این فرصت منطقی در مارس ۲۰۱۵ بسته شد، زمانی که عربستان سعودی و ائتلافی از ۹ کشور عربی به درخواست عبدالرب منصور هادی مداخله‌ای را آغاز کردند. عملیات طوفان قاطع و به دنبال آن عملیات بازگرداندن امید. عربستان سعودی که از سقوط آخرین پایگاه هادی در عدن نگران بود، تحت فرماندهی محمد بن سلمان، تصمیم گرفت که پیشروی‌های حوثی‌ها را پس بزند. دولت اوباما با اطمینان از اینکه عملیات آزاد ایران در یمن ریاض را به خطر می‌اندازد، پشتیبانی لجستیکی و اطلاعاتی ارائه داد. آمریکایی‌ها همچنین به مهار حوثی کمک کرده بودند. به‌عنوان مثال، در آوریل ۲۰۱۵، ایالات متحده ناو آمریکایی "تئودور روزولت" را برای جلوگیری از شناورهای ایرانی حمل بار نظامی به حوثی‌ها اعزام کرد.

(بخش دوم و پایانی در شماره‌ی آتی)

مفهوم دشمن در اندیشه‌های کارل اشمیت



احسن حسن‌پور

اشاره:

کارل اشمیت، حقوقدان، فیلسوف سیاسی آلمانی، به خاطر دیدگاه‌های جنجالی و تأثیرگذارش در حوزه نظریه سیاست و حقوق عمومی شناخته می‌شود. او اغلب بعنوان یکی از بنیان‌گذاران نظریه سیاسی مدرن مطرح است و کتاب‌ها و مقالات متعددی در زمینه‌های فلسفه سیاسی، حقوق دولتی و نظریه قانون اساسی نوشته است. یکی از محوری‌ترین و بحث‌برانگیزترین مفاهیمی که اشمیت به آن پرداخته، مفهوم "امر سیاسی" است. در این مقاله، به بررسی این مفهوم می‌پردازیم.

امر سیاسی از دیدگاه کارل اشمیت

برای فهم اندیشه‌های اشمیت درباره امر سیاسی، ابتدا باید مفهوم بنیادین "دشمن" را مورد بررسی قرار دهیم. اشمیت امر سیاسی را با تمایز قائل شدن بین "دوست" و "دشمن" معنا می‌کند. به اعتقاد او، سیاست در مقام یک فعالیت انسانی، در مرکز خود تعیین و شناسایی "دشمن" را دارد. این "دشمن" که اشمیت به آن اشاره می‌کند، الزاماً دشمن شخصی نیست، بلکه به معنای یک "دیگری" سیاسی است که وجودش تهدیدی برای هویت و موجودیت یک جامعه یا یک ملت محسوب می‌شود.

ویژگی‌های دشمن به نظر اشمیت اشمیت دشمن را بعنوان یک "هویت جمعی" تعریف می‌کند که در تقابل با هویت جمعی دیگر قرار دارد. این تقابل می‌تواند بر پایه تفاوت‌های ایدئولوژیک، ملی، فرهنگی یا حتی دینی باشد. دشمن اشمیتی کسی است که وجودش به نوعی حق موجودیت یا ارزش‌های جامعه‌ای را که ما به آن تعلق داریم، به چالش می‌کشد. در ادامه مقاله، به ویژگی‌های دشمن در نظریه سیاسی کارل اشمیت بیشتر خواهیم پرداخت. این بخش بررسی می‌کند که چگونه اشمیت دشمن را تعریف می‌کند و چه ویژگی‌هایی را برای او در نظر می‌گیرد. کارل اشمیت دشمن را نه بعنوان یک فرد یا یک مخالف شخصی، بلکه بعنوان یک مفهوم جمعی و سیاسی تعریف می‌کند. ویژگی‌های دشمن در نظریه او عبارتند از:

- هویت جمعی:** دشمن در اندیشه اشمیت، نماینده یک گروه، ملت، یا ایدئولوژی است که در تقابل با گروه، ملت یا ایدئولوژی ما قرار دارد. این تقابل بر اساس تفاوت‌های عمیق فرهنگی، ملی، ایدئولوژیک یا حتی دینی است.
- تهدید موجودیتی:** دشمن کسی است که وجودش به نحوی حق موجودیت یا ارزش‌های جامعه‌ای را که به آن تعلق داریم، به چالش می‌کشد. این تهدید می‌تواند فیزیکی (مانند جنگ) یا ایدئولوژیک باشد.
- اقتدار سیاسی در تعیین دشمن:** اشمیت تأکید می‌کند که تعیین دشمن یک تصمیم سیاسی است و نه یک تصمیم بر اساس معیارهای عینی یا قانونی. این تصمیم‌گیری نشان‌دهنده قدرت و اقتدار سیاسی یک جامعه است.
- ملاک بقا و امنیت جمعی:** در نظریه اشمیت، وجود دشمن برای بقا و امنیت جمعی ضروری است. این مفهوم می‌تواند برای توجیه اقدامات سیاسی و نظامی به کار برده شود.
- متغیر و موقعیتی:** هویت دشمن می‌تواند با گذشت زمان و تغییر شرایط تغییر کند. این امر نشان می‌دهد که دشمن در نظریه اشمیت یک مفهوم کاملاً متغیر و وابسته به شرایط است. تأثیرات و اهمیت تعریف اشمیت از دشمن اساساً برای درک نحوه تعامل گروه‌ها و کشورهای در عرصه بین‌المللی و حتی در سطح داخلی اهمیت دارد. این نظریه توضیح می‌دهد که چگونه دشمنان در سیاست شکل می‌گیرند و چگونه تعریف آن‌ها می‌تواند در راستای منافع سیاسی و ایدئولوژیک مورد استفاده قرار گیرد.

در نظریه او، دشمن به معنای متعارف و سنتی کلمه نیست - یعنی لزوماً شخصیتی شرور یا زشت نیست - بلکه به مفهومی سیاسی و انتزاعی اشاره دارد. اشمیت دشمن

را از جنبه‌های زیر نیز مورد بررسی قرار می‌دهد:

- زیبایی‌شناسی:** اشمیت با بیان اینکه دشمن لزوماً زشت یا نامطلوب نیست، تأکید می‌کند که دشمنی در حوزه سیاست بر اساس معیارهای زیبایی‌شناسی تعریف نمی‌شود. به عبارت دیگر، دشمن از نظر زیبایی‌شناسی می‌تواند زیبا باشد.

- اخلاقی:** اشمیت بر این نکته تأکید می‌کند که دشمن در معنای سیاسی لزوماً شخصی شرور یا اخلاقاً نادرست نیست. دشمنی در این مفهوم بیشتر به تضاد منافع و ایدئولوژی‌ها اشاره دارد تا به ارزیابی‌های اخلاقی.

- اقتصادی:** در نظریه او، دشمنی اقتصادی نیز لزوماً بر اساس ارزیابی‌های منفی یا تضاد منافع محض نیست. در عرصه سیاست، دشمنان ممکن است در برخی موارد همکاری‌های اقتصادی داشته باشند. در نهایت، اشمیت با تأکید بر این مفاهیم می‌کوشد تا معنای دشمن را از مفهومی ساده و یک‌بعدی به یک بعد پیچیده و چندوجهی در حوزه سیاست تبدیل کند. تمایز دشمن

از دوست تمایز بین دوست و دشمن در نظریه اشمیت، بیشتر از آنکه بر پایه معیارهای مشخص و قطعی باشد، بر پایه تصمیم‌گیری‌های سیاسی و اقتدار سیاسی شکل می‌گیرد. به عبارت دیگر، تعیین کیست که "دوست" و کیست که "دشمن" است، به نوعی از اقتدار و قدرت سیاسی نشأت می‌گیرد. اشمیت بر این باور است که تصمیم‌گیری در مورد دشمن، یک عمل سیاسی بنیادی است و هویت سیاسی یک گروه یا ملت را شکل می‌دهد. این تصمیم‌گیری بیش از آنکه بر اساس دلایل عینی یا منطقی باشد، بر اساس درک و تفسیری است که یک جامعه از تهدیدات و چالش‌های خود دارد.

کارل اشمیت و "دشمنان را دوست بدار" کارل اشمیت، با وجود پیچیدگی‌ها و چندبعدی بودن اندیشه‌های خود، موضعی متفاوت نسبت به گفته مسیح "دشمنان را دوست بدار" داشت. اشمیت، که به خاطر تئوری‌های سیاسی جنجالی و تأکیدش بر تمایز بین دوست و دشمن شناخته می‌شود، این گفته را از دیدگاه متفاوتی بررسی می‌کند:

- جدایی سیاست از اخلاق:** اشمیت بر این باور بود که سیاست و اخلاق دو حوزه جدا از هم هستند. او معتقد بود که در عرصه سیاست، تصمیمات بر اساس منافع و اقتدار سیاسی گرفته می‌شوند، نه بر اساس اصول اخلاقی. بنابراین، ایده "دوست داشتن دشمنان" در چارچوب سیاسی او جایی نداشت.

- دشمن در مفهوم سیاسی:** اشمیت دشمن را بعنوان یک مفهوم سیاسی و نه اخلاقی تعریف می‌کند. در این چارچوب، دشمن کسی است که وجودش می‌تواند تهدیدی برای هویت یا موجودیت یک جامعه باشد. این دیدگاه با دیدگاه مسیحی که به دوست داشتن دشمنان تأکید دارد، متفاوت است.

- تمایز بین اخلاق فردی و سیاست جمعی:** اشمیت اغلب تأکید می‌کند که اصول اخلاقی فردی نباید با اصول حاکم بر سیاست جمعی اشتباه گرفته شوند. در حالی که دوست داشتن دشمنان می‌تواند بعنوان یک اصل اخلاقی فردی قابل توجیه باشد، اما در سیاست جمعی، منافع و امنیت ملی معیارهای تصمیم‌گیری هستند.

به طور خلاصه، اشمیت این دیدگاه مسیحی را در چارچوب فلسفه سیاسی خود جایگاهی نمی‌دهد و تأکید دارد که در سیاست، تصمیم‌گیری‌ها بر اساس منطق سیاسی و اقتدار، نه اصول اخلاقی، صورت می‌گیرد.

پیشوا از نظر کارل اشمیت در نظریه‌های کارل اشمیت، مفهوم پیشوا یک جایگاه مهم و مشخص دارد. اشمیت پیشوا را بعنوان یک شخصیت کاریزماتیک و قدرتمند تعریف می‌کند که قادر به اتخاذ تصمیمات سریع و قاطع در شرایط بحرانی است. از دیدگاه اشمیت:

- اتوریت:** پیشوا کسی است که اقتدار دارد و می‌تواند در شرایط اضطراری، قوانین را تعلیق کند یا تصمیمات فوق‌العاده‌ای بگیرد. این تصمیمات به منظور حفاظت از دولت و جامعه در برابر تهدیدات داخلی یا خارجی اتخاذ می‌شوند.

- رهبری کاریزماتیک:** پیشوا فردی است که دارای کاریزما و قدرت شخصیتی است، به طوری که می‌تواند مردم را برای دنبال

کردن خود و اجرای اهداف خود ترغیب کند. **۳. متمایز از حکومت دموکراتیک:** در تفکر اشمیت، پیشوا با مفهوم دموکراسی لیبرال و اصول تقسیم قدرت متمایز است. او بر این باور بود که در شرایط خاص، حکومت نیاز به یک رهبر قدرتمند دارد که بتواند فراتر از محدودیت‌های نهادهای دموکراتیک عمل کند.

- نقش در حفظ نظم و امنیت:** پیشوا در اندیشه اشمیت نقش محوری در حفظ نظم و امنیت داخلی دارد و می‌تواند از طریق اقتدار به حفظ و تداوم دولت کمک کند.

این دیدگاه‌های اشمیت در مورد پیشوا موضوع بحث‌ها و انتقادات فراوانی بوده‌اند، بویژه به دلیل تطبیق آن‌ها با رژیم‌های توتالیتر و دیکتاتوری در طول تاریخ. او معتقد بود که در شرایط بحرانی، نیاز به اقتدار برای حفظ نظم وجود دارد، چیزی که با اصول دموکراسی مدرن متفاوت است.

کارل اشمیت در نظریات خود به طور مشخص فرآیند انتخاب پیشوا را توضیح نمی‌دهد، چرا که تمرکز اصلی او بر نقش و اقتدار پیشوا و کارکردهای او در شرایط استثنائی بوده است. با این حال، می‌توان از نظریات اشمیت درباره اقتدار و سیاست نکاتی را استنباط کرد:

بر اساس تئوری اشمیت، پیشوا معمولاً بعنوان یک شخصیت کاریزماتیک توصیف می‌شود. این نوع از رهبری بیشتر بر اساس نفوذ شخصیتی و توانایی جلب حمایت مردمی استوار است، تا فرآیندهای دموکراتیک رسمی. اشمیت بر این باور بود که در شرایط استثنائی، مانند بحران‌های عمیق سیاسی یا اجتماعی، قوانین معمولی کافی نیستند و نیاز به رهبری قدرتمند و قاطع است. در این شرایط، پیشوا ممکن است بر اساس نیازهای لحظه و به منظور حفظ نظم و امنیت، به قدرت برسد. اشمیت

اغلب دموکراسی لیبرال را ناکافی یا نامناسب برای مواجهه با بحران‌های شدید می‌دانست. بنابراین، ممکن است پیشوا از طریق فرآیندهایی غیر از انتخابات دموکراتیک معمولی به قدرت برسد. الهیات سیاسی کارل اشمیت

نظریه‌های کارل اشمیت، بویژه تأکید او بر مفهوم پیشوا و تمایز بین دوست و دشمن، با مفهوم "الهیات سیاسی" ارتباط تنگاتنگی دارند. الهیات سیاسی یکی از مفاهیم کلیدی در کارهای اشمیت است که به بررسی روابط و تأثیرات متقابل بین نظریه‌های سیاسی و مفاهیم الهیاتی می‌پردازد. این ارتباط از چند جنبه قابل بررسی است:

- نقش اقتدار:** اشمیت مفهوم اقتدار را در مرکز نظریات خود قرار می‌دهد و این مفهوم را به نحوی به الهیات مرتبط می‌داند. در الهیات سیاسی، اقتدار غالباً به صورت الهی یا کاریزماتیک توجیه می‌شود. همانطور که اشمیت اقتدار پیشوا را بعنوان یک نیروی کاریزماتیک توصیف می‌کند.

- انتقال مفاهیم الهیاتی به سیاست:** اشمیت استدلال می‌کند که بسیاری از مفاهیم مرکزی سیاسی مدرن از الهیات مسیحی گرفته شده‌اند. بعنوان مثال، او بر این باور است که مفهوم حاکمیت در دولت مدرن ریشه در مفهوم حاکمیت خداوند دارد.

- مفهوم دوست و دشمن:** اشمیت مفهوم دوست و دشمن را بعنوان مبنای امر سیاسی معرفی می‌کند. این تمایز در بسیاری از مفاهیم الهیاتی نیز وجود دارد، مانند تمایز بین خیر و شر یا مؤمنین و کافران.

- تأکید بر تصمیم‌گیری و اراده:** در الهیات سیاسی اشمیت، تصمیم‌گیری و اراده انسانی اهمیت زیادی دارند. این مفهوم مشابه نقش اراده الهی در سنت‌های مذهبی است، که در آن خداوند بعنوان تصمیم‌گیرنده نهایی در نظر گرفته می‌شود.

بنابراین، الهیات سیاسی در اندیشه‌های اشمیت



بعنوان یک ابزار برای فهم و تحلیل ساختارها و مفاهیم سیاسی از طریق چارچوب‌های الهیاتی بکار گرفته می‌شود. این رویکرد به بررسی چگونگی تأثیر مفاهیم مذهبی و الهیاتی بر تفکر و نظام‌های سیاسی می‌پردازد. انتقادات و تحلیل‌های نقدی

اندیشه‌های کارل اشمیت در مورد امر سیاسی، همان‌طور که تأثیرگذار بوده، موضوع بحث و انتقادات فراوانی نیز بوده‌اند. برخی منتقدان بر این باورند که تفکیک شدید بین دوست و دشمن می‌تواند منجر به افراط‌گرایی و تعصب شود و ممکن است زمینه‌ساز تضادها و جنگ‌های بی‌پایان باشد. دیگران بر این نکته تأکید دارند که تعریف اشمیت از دشمن می‌تواند محدودیت‌هایی در درک ما از پیچیدگی‌های سیاسی و فرهنگی ایجاد کند.

تأثیر اشمیت بر نظریه سیاسی مدرن
با این حال، تأثیر اشمیت بر نظریه سیاسی مدرن قابل توجه است. نظریه‌های او در مورد اقتدار دولت و تعریف سیاست، بویژه نظریه قانون اساسی، همچنان مورد بحث و بررسی است. فهم این نظریه‌ها به دانشجویان و پژوهشگران کمک می‌کند تا درک عمیق‌تری از چالش‌ها و پیچیدگی‌های امر سیاسی در جهان مدرن داشته باشند.

خاتمه

کارل اشمیت، با ارائه نظریه‌ای جسورانه درباره امر سیاسی و تعریف آن بر اساس مفهوم دوست و دشمن، بحث‌های عمیقی را در حوزه‌های مختلف از جمله حقوق، فلسفه و سیاست برانگیخته است. این نظریه، با وجود گذشت زمان، همچنان بعنوان یکی از نظریه‌های کلیدی در فهم دینامیک‌های قدرت و سیاست به شمار می‌رود و برای دانشجویان و پژوهشگران این حوزه‌ها اهمیت ویژه‌ای دارد.



بیانیه ۱۸ سازمان مدافع حقوق بشر در رابطه با حکم اعدام چهار زندانی سیاسی کورد

در ادامه محکومیت اعدام تعدادی از زندانیان سیاسی در ایران، ۱۸ سازمان حقوق بشری با صدور بیانیه‌ای نسبت به اعدام نزدیک به چهار زندانی سیاسی کورد هشدار دادند و از جامعه جهانی خواستند اقدامات فوری برای جلوگیری از این اعدام‌ها اتخاذ کنند. قوه قضاییه رژیم جمهوری اسلامی ایران محسن مظلوم، پژمان فتحی، وفا آذربای و هژیر فرامرزی را به اعدام محکوم کرده است.

این ۱۸ سازمان در ادامه بیانیه خود، محاکمه چهار زندانی سیاسی کورد در دادگاه انقلاب رژیم اسلامی را نقض جدی اصول دادرسی عادلانه و روند قضایی بر اساس موازین بین‌المللی دانستند. این ۱۸ سازمان هشدار داده‌اند که تصویب شتابزده مجازات اعدام برای این چهار نفر در جریان کارزار رژیم برای سرکوب مخالفان

و ارباب جامعه ایران از طریق افزایش تعداد اعدام‌ها، جان آن‌ها را تهدید می‌کند. این ۱۸ سازمان خاطرنشان کردند که افراد بسیار دیگری در معرض خطر اعدام قرار دارند و ایران بالاترین تعداد اعدام‌ها را در جهان دارد.

این ۱۸ سازمان نوشتند: "استفاده گسترده و غیرقانونی رژیم ایران از مجازات اعدام، علی‌رغم درخواست‌های مستمر کارشناسان حقوق بشر سازمان ملل متحد و سازمان‌های جامعه مدنی، نشان می‌دهد که جمهوری اسلامی ایران بدون توقف به اجرای مجازات اعدام ادامه می‌دهد. مگر اینکه سازمان ملل و جامعه جهانی هزینه سیاسی این امر را برای جمهوری اسلامی افزایش دهند."

اصرار بر سیاست انکار و سرکوب تحت لوای اتحاد ملی دیگر جایی ندارد

مصاحبه: شهرام سبحانی

خانم محمدی مصاحبه را با این سوال شروع میکنم تعریف انقلاب و عوامل وقوع انقلاب چیست؟ به نظر شما نکته‌ی مثبت انقلاب ژینا با انقلاب های دیگر در ایران چ بود؟

تعریف انقلاب در اساس یعنی دگرگونی و تغییر که بسیاری بر این عقیده‌اند انقلاب فرانسه مادر همه‌ی انقلابهاست چون قبل از آن مفهوم واقعی انقلاب را نداشته و تغییرات در سطحی جزئی بوده است. اما آنچه امروز در ذهن ما شکل گرفته تلاش برای تغییر بنیادی حاکمان و حکومت‌های آنها که از بطن یک جامعه به شکل اعتراض نمود میکند و به یک حرکت جمعی حول یک خواست یا خواستهایی برای دگرگونی و نابودی سیستم حاکم می انجامد. به گفته‌ی لنین زمانیکه مردم دیگر از آن حکومت عاصی و بیزار باشند و حکومت هم توانایش را برای حکمرانی از دست داده باشد احتمال وقوع انقلاب در آن کشور هست. بنابراین میتوانیم بگوییم انقلاب ژینا در برگیرنده بسیاری از این خصیصه ها و تعاریف بود. تداوم زمانی این خیزش انقلابی، پیشرو بودن جنبه‌های نمادین جنبش مثل شعارها و اکتها، کسب حمایت‌های بین‌المللی، گسترش دامنه‌ی مشارکت معترضان به طیف گسترده‌ای از گروه‌های اجتماعی‌هویتی و صنفی و در نهایت ایجاد دگرگونی عمیق در جامعه‌ی ایران، آن را به یکی از استثنای ترین اعتراضها در ایران پس از انقلاب ۵۷ تبدیل کرده است. حتی می‌توان ادعا کرد، نمونه‌ی قابل مقایسه با آن در طول تاریخ سیاسی

پیش از «انقلاب ۵۷» نیز به سختی وجود دارد. بنابراین نکات مثبت این انقلاب که آن را از خیزشهای دیگر متمایز میکند، پیشروان آن نسل جوان و علی‌الخصوص زنان بود که از گفتمان و دیسکورسهای قبلی (مذهبی، اصلاح طلبی و مردسالاری) در ایران گذر کرده بود و به مصاف کل نظام و سیستم جمهوری اسلامی رفته بود. البته همیشه کوردستان و جنبش آن تفاوتی اساسی با سایر نقاط ایران داشته و توهمی به جمهوری اسلامی از بدو سرکار آمدنش تا امروز نداشته و ندارد. این خیزش با مرگ ژینا و اعتراض مردم سقز و کوردستان شروع و با حضور چشمگیر زنان و خواسته‌های آنان با شعار "ژن، ژیان، نازادی" سرتاسر ایران را فرا گرفت و به گوش همه جهان رسید. هرچند رژیم ابتدا تصور نمیکرد که این خیزش بتواند در مدت کوتاهی به همه جای ایران سرایت کند به خاطر همین کنترل اوضاع را از دست داد و حتی بسیاری از سران رژیم در وحشت سقوط نظام به سر میبردند.

تا به حال موانع زیادی در مقابل جنبشهای سیاسی کوردستان ایران بوده است اگر با نگاهی آسیب‌شناختی به این مسئله بنگریم به نظر شما کدام عوامل بزرگترین آسیب را به جنبش آزادیخواهی کوردستان ایران وارد کرده است؟

با نگاهی به تاریخ دو رژیم مستبد پهلوی و اسلامی میتوان به موانع بیشماری اشاره کرد. مردم کوردستان همواره برای رسیدن به خواسته‌ها و حقوق برحق خود در مقاطع مختلف تاریخ مبارزه کرده و قربانی زیادی داده‌اند. چون از نظر سیستم حاکم بر ایران بعد از اینکه رضاخان تلاش کرد دولت ملت را تاسیس کند با نام ایران و تبدیل آن به یک ملت واحد و زبان و دین همه ملت‌های دیگر را انکار کرد، سرکوب ملت‌های دیگر به شکلی مدرن آغاز شد که هنوز هم ادامه دارد. بنابراین انکار هویت‌های ملی با سرکار آمدن جمهوری اسلامی شدت بیشتری گرفت و هویت‌های جنسی، مذهبی و ... هم در معرض سرکوب بیشتر قرار گرفتند. بنابراین این نگرش به سیاست سرکوب حاکمان ایران مبدل شد و ملت کورد به عنوان یکی از این ملت‌ها که قدمت تاریخی



اشاره: انقلاب ژینا جزو مهمترین رخدادهای سیاسی در تاریخ مبارزاتی کوردستان و ایران است. انقلابی که دستاوردهای زیادی را برای مردم کوردستان به ارمغان آورد، به‌خصوص برجسته‌کردن مسئله‌ی ملی دموکراتیک کوردستان در ایران و جهان. در پی تداوم این انقلاب در کوردستان و ایران با سوال‌های بسیاری مواجه می‌شویم: این انقلاب به کدام سو می‌رود؟ در حال حاضر کلیدی‌ترین موانع پیش روی جنبشهای آزادیخواهی کوردستان کدامین است؟ اپوزیسیون ایرانی به چه میزان پایبند تاسیس جبهه‌ی قدرتمندی بر مبنای گفتمان سیاسی مشترک برای بازتتشکیل ایران پسا جمهوری اسلامی می‌باشند؟، با تداوم انقلاب "ژن، ژیان، نازادی" وظایف و رسالت احزاب و جریان‌های سیاسی چیست؟ و چگونه میتوان این انقلاب را به پیروزی رساند؟ این موضوعات را با خانم فریبا محمدی، سخنگوی حزب کومه‌له‌ی زحمتکشان کوردستان در میان گذاشته‌ایم:

باشد. برای همین احزاب و جریان‌های سیاسی کوردستان و ایران باید برای عبور از جمهوری اسلامی متحد و یکصدا باشند. هیچ جریانی نمیتواند خود را تنها نماینده مردم بداند و همچنین اصرار بر سیاست انکار و سرکوب تحت لوای اتحاد ملی دیگر جایی علی‌الخصوص در میان این نسل ندارد.

انقلاب "ژن، زندگی، آزادی" یکی از فاکتورهای قدرتمندی بود که نه تنها در کوردستان ایران بلکه در بخشهای دیگر کوردستان توانست مسئله‌ی ملی کوردستان را برجسته کند، به نظر شما احزاب های کوردستان توانستند از این انقلاب به سود جنبش کوردها استفاده کنند؟

جنبش کوردستان در چند دهه اخیر ویژگیهای منحصر به فردی داشته و همیشه آن را از نقاط دیگر متمایز کرده است و در جنبش انقلابی اخیر هم کوردستان بار دیگر با اعتراض به مرگ ژینا امینی توسط ماموران رژیم در تهران، توانست در مدت کوتاهی بزرگترین اعتراض را در سراسر ایران شکل دهد. مرکز همکاری احزاب کوردستان به درست آن زمان اطلاعیه‌ای برای فراخوان مردم به اعتصاب عمومی در اعتراض به مرگ ژینا منتشر کرد و با اطلاعیه‌های بعدی توانست نقش ایفا کند. مردم کوردستان همواره ثابت کرده‌اند که هر زمان احزاب متحد و همصدا باشند آنها هم حمایتشان می کنند. این اتحاد و همبستگی مردم و احزاب در کوردستان تاثیر بسزایی در نقاط دیگر ایران گذاشت و شعار "ژن، زندگی، آزادی" به شعاری جهانی بدل شد و امید فروپاشی نظام جمهوری اسلامی در دل مردم و همه آزادیخواهان جهان شدت گرفت و لرزه بر تن سران رژیم انداخت. بنابراین توقعات و امیدها به کوردستان و احزاب آن بیشتر و بیشتر شد و نقش تعیین کننده ای ایفا میکرد. اما از جایی به بعد احزاب کوردستان به دلیل پراکندگی و نبود گفتمان مشترک و تلاش برای جایگاه شخصی و حزبی به جای مصلحت جمعی و ملی، نتوانستند از این فرصت استفاده کرده و وظیفه خظیر خود را به جای بیاورند. هم صدایی حزبی

جامعه‌ی کوردستان و ایران دارای تنوعات ملی با ایدئولوژیک های متفاوت است. با وجود این تنوعات جامعه‌ی ایران، ما چگونه می‌توانیم جبهه‌ی تاسیس کنیم که نتیجه‌اش به کشوری دموکراتیک ختم شود؟ تاسیس کشوری دموکراتیک در خاورمیانه‌ای که هنوز هم درگیر جنگ و تاخت و تاز اسلامیان افراطی و ... است هر چند ناممکن نیست اما بسیار مشکل خواهد بود و به خصوص در ایرانی که قبلا اشاره کردم دهه‌هاست با انکار ملیتهای دیگر و سرکوب آنها "ایران" را حفظ کرده‌اند و این به بخش لاینفک حاکمان و فرهنگ بیشتر مردم تبدیل شده و، رویای کشوری دموکراتیک و آزاد را برهم میزند. زمانی این امکان فراهم میشود که با به رسمیت شناختن حقوق همه ملت‌ها و تنوعات جنسی و جنسیتی، مذهبی و... حول یک پلاتفرم یا منشوری دموکراتیک جمع شویم و قبل از هرچیز حق تعیین سرنوشت را برای همه به یکسان به رسمیت بشناسیم و پایبند آن باشیم. البته در کشوری که سالهاست تبعیض ملی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی و موجود است باید برای جبران آن برنامه و پلانهای کلان داشته باشیم تا این کمیوها در سطح مطلوبی جبران شود و راه پیشرفت هموار شود که این خود بحث جداگانه و مهمی است به خصوص در ایران. بنابراین با چنین نگرشی میتوان حول یک جبهه مشترکی جمع شویم. هرچند فقدان احزاب سراسری که از پایگاه اجتماعی قوی برخوردار باشند و آمادگی پذیرای چنین نگرشی دموکراتیک و مدرن باشند خلا بزرگی است که هنوز حس میشود و در این خیزش هم بارز بود.

با تداوم انقلاب ژن، زندگی، آزادی، در ایران وظایف احزاب و جریان‌های سیاسی چیست؟ چگونه میتوان این انقلاب را به پیروزی رساند؟

انقلاب ژینا با شعار "ژن، ژیان، نازادی" توانست از همه گفتمانهای قبلی گذر کرده و با در کنار هم قرار گرفتن همه تنوعات و حتی کویرها، دور تازه‌ای از مبارزه سیاسی و اجتماعی را شروع کند و این نوید را به ارمغان آورد که در این سیاهی ظلم و این فقر مطلق و ستم مضاعفی که جامعه را تنیده روزه امیدی هست، اگر اتحاد و همسویی

با فاشیست‌ترین بخش و تلاش برای ادغام سپاه و ارتش و قالب کردن آن به مردم و زیر پا گذاشتن خواسته‌های انقلاب ژینا و شعار رادیکال آن تحت لوای منشور مهسا (منشور جورج تاون) ضربه‌ای بود بر پیکره این انقلاب. متأسفانه احزاب دیگر هم نتوانستند در میان خود جنبش کوردستان ابتدا اتحاد و همبستگی به وجود بیاورند و با گفتمانی مشترک به سوی اتحاد سراسری قدم بردارند. تا زمانیکه ما نتوانیم از دریچه ی مصلحت جنبش مردم کوردستان به مسایل نگاه کنیم بی‌گمان نخواهیم توانست وظیفه ی اصلی خود را به عنوان احزاب کوردستانی ایفا کنیم.

کوردستان برای اینکه بعنوان یک فاکتور قوی چه در داخل ایران و چه در سطح بین المللی مطرح شود نیازمند به چه اقدامی است؟ آیا احزاب سیاسی کوردستان تا به حال توانسته‌اند بعنوان یک فاکتور قوی در سطح جوامع بین المللی از حق تعیین سرنوشت کوردستان دفاع کنند؟ اگر نتوانسته‌اند دلیلش چیست؟

در جواب سوال قبلی به بخشی از این هم اشاره کرده‌ام و از تکرار آن اجتناب میکنم. اما در ادامه میگویم که ما باید مسله ملی مردم کوردستان را از یک مسله داخلی یک کشور فراتر ببریم و آن را به یک مسله جهانی تبدیل کنیم. چون مسله کوردستان بعد از تقسیم آن در میان چهار کشور، نمیتواند تنها مربوط به یک کشور باشد بلکه این یک مسله منطقه یی و جهانیست و باید در سطح وسیع تری به آن پرداخت. حق تعیین سرنوشت بعنوان حقی ابتدایی و بدیهی در منشور جهانی حقوق بشر گنجانده شده و بعنوان اصل برابری انسانها و ملتها به رسمیت شناخته شده است، اما هیچگاه این حق از طرف حاکمان اشغالگر کوردستان به رسمیت شناخته نشده است. بنابراین حق تعیین سرنوشت برای ملت کورد یک حق طبیعی است. علت اینکه ما هنوز نتوانستیم در ابعاد کلیدی توجه جامعه بین‌المللی را به سوی مسله کوردستان جلب کنیم، همان عدم اتحاد و گفتمان مشترک ملیست. ما هنوز نتوانسته ایم با صدای بلند در رسانه و اجماع جهانی بگوییم استقلال کوردستان حق مسلم ماست. همانطور که میگویند حق گرفتنی است نه دادنی.

خانم محمدی در آخر چقدر به آینده‌ی انقلاب "ژن، زندگی، آزادی" امیدوار هستید؟ و پیام شما برای جامعه‌ی کوردستان و زنان چیست؟

در طی دهه‌ی اخیر جنبش‌های اعتراضی زیادی در جهان به وقوع پیوسته و محققان حوزه‌ی جنبش‌های اجتماعی تلاش‌های تازه‌ای برای توضیح ریشه‌ها، فرآیندهای شکل‌گیری، تأثیرها و نتایج آن‌ها کرده‌اند به طوری که رقابت میان تئوری‌های آکادمیک آمده است و به مسله فلسفه زیباشناسی توجه بیشتری کرده اند. در انقلاب ژینا حس مقاومت، فرو ریختن ترس و عبور از فرهنگ و قوانین مردسالار، هموایی تنوعها و هویت‌های مختلف، سیمای دیگری از اعتراض را به نمایش گذاشت که در عین شور انقلابی شاهد انتخاب شعارهای زیبا و معنادار و اکت های نوینی بودیم که توجه رسانه های جهان را به خود جلب میکرد. به همین دلیل این انقلاب روزنه تازه ایی را گشود که دیر یا زود به نتیجه ی مثبتی خواهد رسید که همانا آزادی و رهاییست. مردم کوردستان و به ویژه زنان پیشقراول این انقلاب بوده و خواهند بود. دوباره تاکید میکنم ما به گفتمان مشترکی نیازمندیم که در خور شان و خواست مردم کوردستان باشد.

ممنون از اینکه برای این گفتگو وقت گذاشتید خواهش می‌کنم.

نقش جمهوری کوردستان در ناسیونالیسم کورد



البرز روئین تن

اندرو وینسنت در اشاره به ناسیونالیسم می‌گوید "اگر خواستار حاکمیت صلح و عدالت در سیستم جهانی هستیم، ملتها باید آزاد، مستقل و مصون از تهدیدات خارجی باشند." ایدئولوژی‌هایی که طی دو قرن گذشته در خصوص آزادی ملتها در تعیین سرنوشت خویش سخن می‌گویند، تحت لوای ناسیونالیسم به این امر می‌پردازند که تاکنون نیز یک ایده‌ی مطرح بوده و یک بحث جدی آکادمیک و مورد توجه و بررسی و تحقیق است.

ناسیونالیسم کورد نیز بعنوان ناسیونالیسم یک ملت بی‌دولت و در حال تلاش و مبارزه برای رسیدن به آزادی از بسیاری لحاظ قابل توجه است: نخست برای درک اوضاع سیاسی کورد و مسأله‌ی کورد و نیز مناقشات و تنشهایی که در منطقه وجود دارند. دوم جهت درک بهتر و پیامد مبارزه‌ی ملی بی‌وقفه‌ی کورد. بررسی و تحلیل ناسیونالیسم کورد از دیدگاههای بسیار قابل تأمل است، وجود یک ملت محروم از آزادی که سرزمینش هم تحت اشغال بوده و همواره تحت تهدیدات دولتهای همجوار قرار داشته از سویی و ویژگیهای تاریخی و جغرافیایی و هویت کورد از سوی دیگر. همچنین اوضاع فعلی و ارتقاء سطح ملت دوستی کورد، علیرغم تمامی تهدیداتی که برای زدودن هویت کوردی از سوی دولتهای اشغالگر کوردستان وجود دارد، بحث تحقیقی دقیقی در مسأله‌ی کورد و ناسیونالیسم کوردی بشمار می‌رود.

هنگامیکه به میانی ناسیونالیسم کوردی پرداخته می‌شود، دیدگاههای متفاوتی مطرح می‌گردند. وجود پیوند تاریخ فعلی کورد با پیشینه‌ی تمدنهای کهن میثانی و مادی، تداوم حاکمیت منطقه‌ای در ساتراپهای ساسانی، وجود حکومتهای مروانی و شدادی و حسنی ایوبی قرون وسطا تا امیرنشینهای سده‌های نزدیک و انقلابهای پی‌درپی تاریخ معاصر هرکدام به نحوی بعنوان ریشه و مبنای ناسیونالیسم کوردی مورد بحث قرار می‌گیرد. از سوی دیگر آنچه که سیاست بر مبنای هویت متمایز که تحت تهدید طرفهای دیگر بود، در طول این تاریخ کماکان ادامه داشته است، به همین دلیل وجود زبان و فرهنگ متفاوت و مهمتر از همه احساسات مشابه مشترک میان کوردها، تأثیر بسیاری بر ناسیونالیسم کورد داشته که موجب می‌گردد بخشی از محققین به این نکته بیندیشند که ناسیونالیسم کوردی را به "مهم و زین" احمد خانی بازگردانند که خواستار اتحاد کورد برای استقلال و سروری می‌گردد تا از ستم و فرودستی رها شود. بعدها انقلابهای معاصر هرکدام به گونه‌ای جهت رسیدن به خواست احمد خانی یعنی به قیمت فداکردن جان و مال به مقابله با حاکمیت مرکزی برخاستن و قیام در پی قیام تا به امروز نیز ادامه دارند.

محققان در تحقیقات خویش هرکدام به نحوی از تأثیرات هرکدام از این رویدادها و خیزشها بر ناسیونالیسم کوردی سخن می‌گویند، لیکن یکی از مؤثرترین رویدادها بویژه در قرن بیستم که به قرن تأسیس دولت - ملت و نظم فعلی شناخته می‌شود، جمهوری کوردستان است.

جمهوری کوردستان از جهات گوناگون متفاوت است، لیکن یکی از مهمترین این تفاوتها، زنده بودن آن در اندیشه‌ی کورد تا حال حاضر است. بدون تردید احتمالاً دستاوردهای کورد در خیزشهای پیش از جمهوری کوردستان و بعدها نیز در جمهوری کوردستان بیشتر نیز باشد، لیکن به اندازه‌ی جمهوری کوردستان نتوانسته است در ذهن و اندیشه‌ی ملت کورد تثبیت شده و برای کورد الهام بخش باشد. تجزیه و تحلیل این امر که چرا جمهوری کوردستان تا این اندیشه در ذهن و اندیشه‌ی کورد زنده است، پاسخی خواهد بود برای این سؤال که نقش جمهوری کوردستان بر ناسیونالیسم کورد چیست.

بخش اعظم دولتهای موجود محصول مبارزه‌ی ملتها جهت کسب آزادی در قرن بیستم هستند. به عبارتی دیگر بمنظور کنار زدن تهدید نابودی یک ملت، دولت بعنوان یک سپر در نظم جهانی فعلی بکار گرفته شده و این امر نیز موجب گردید که



در سالروز تأسیس جمهوری کوردستان
درد بر پیشوای شهید

جمهوری کوردستان با حیاتی کوتاه و حاکمیتی مشخص در یک جغرافیای محدود این احساس را که کورد نیز می‌تواند دارای دولت باشد، در اندیشه‌ی کورد به ثبت رساند و اعتماد به نفس فراوانی به کورد بخشید. یکی از سیاستهای دولت اشغالگر عبارتست از اینکه فرد کورد را تحقیر و فرهنگ آن را یک فرهنگ روستایی بخواند؛ زبانش را دیالتیک کوهی نشان بدهد، فارسی سخن گفتنش را به تمسخر بگیرد، آداب و رسومش را عقب مانده توصیف کند و آنرا از اصالت دور نماید. همه‌ی اینها و چنדהا مورد دیگر در چارچوب سیاست سیستماتیک ضدیت ملی و با هزینه‌ی فراوان بمرور اجرا در می‌آورد تا کورد این اعتماد به نفس را از دست داده و خود را همطراز با ملت فرادست احساس نکند. همین امر نیز آنرا به این باور سوق می‌دهد که خواستهای خود را نازلتر از ملت‌های دیگر دانسته و آنچه را که برای فارس و عرب و ترک مشروع است را برای خویش حرام تلقی نماید. اما رویدادی چون جمهوری کوردستان صرفنظر از قواره و یا کیفیت آن توانسته بخش چشمگیری از این سیاست دولت اشغالگر را خنثی نموده

و بگوید که ما نیز دولت داشته‌ایم می‌توانیم دولت داشته باشیم. همانگونه که نقل می‌کنند در روزهای واپسین جمهوری، میرحاج، یکی از بارزانیهای پیشمرگ جمهوری که بسوی نرده عقب نشینی می‌کرد، خبر شکست جمهوری را به مردم داده، اما روحیه‌ی خود را نباخته است. از او می‌پرسند چرا چنین با روحیه هستی؟ وی در پاسخ می‌گوید درست است که جمهوری پایان یافت، اما ما نیز نظیر اکثر ملت‌های دیگر می‌گوییم که ما نیز جمهوری داشته‌ایم و چیزی از آنها کم نداریم. اینکه هنوز هم یاد این جمهوری زنده است، اینکه جمهوری کوردستان بعنوان یک رویداد تأثیرگذار بر روند ناسیونالیسم کوردی توانسته است عرض اندام بکند، مؤید وجود این واقعیت در ذهن و اندیشه‌ی فرد کورد است که ما نیز دارای دولت بوده‌ایم و ما نیز می‌توانیم دارای دولت باشیم.

اهمیت اقدامات جمهوری را نباید با اندیشه‌ی حاضر یا در مقایسه‌ی جمهوری کوردستان با یک دولت متعارف ارزیابی نماییم، بلکه باید آنرا در چارچوب شرایط آزمون کورد مورد بررسی قرارداد. رضاشاه با ترور سالهای مدیدی عمر کرد، قدرت خود را در

تهران تحکیم بخشید. پس از تاجگذاری و تأسیس دولت ایرانی جدید بر پایه‌ی ایده‌ی فاشیستی دولت - تک ملت، به تمامی شیوه به سرکوب کورد و امحاء هویت کوردی پرداخت، به گونه‌ای که همه‌ی آنها را که از کوردستان دوران رضاشاه و نحوه‌ی سرکوب مردم سخن می‌گویند، به ارباب و وحشت آفرینی نیروهای حکومت مرکزی اشاره‌ی خاصی دارند به شیوه‌ای که یک ژاندارم ساده‌ی دولت که عجم خوانده می‌شدند، می‌توانست به بزرگ و کوچک یک شهر بی‌احترامی کند، آنها را مورد ضرب و شتم قرار دهد، و به حبس بکشاند و بعدها آنانرا با دریافت رشوه‌ی کلان آزاد کند و حتی اینکار را چند بار تکرار نماید. اما همین کوردستان تحت ستم در نخستین فرصت بدست آمده سازمان تشکیل می‌دهد، نظیر جمعیت تجدید حیات کورد و بعدها آنرا به حزب ارتقا داده و پس از آن نیز جمهوری کوردستان را تأسیس می‌نماید و در راستای احیای جنبه‌های گوناگون ملی چنان تصمیماتی اتخاذ می‌نماید که تا به امروز نیز تصمیمات و نمادها جمهوری، بخش عمده‌ی هویت سیاست کوردی هستند. این امر نیز دلیلی است بر نقش جمهوری کوردستان بر روند ناسیونالیسم کوردی که باید با اهمیت بسیار به آن نگریست. به همین دلیل همه‌ی تلاشهای رضاشاه در طول همه‌ی آن سالها در راستای امحاء کورد، با تأسیس جمهوری کوردستان در مدت کمتر از یکسال نه تنها خنثی شد، بلکه پایه‌های صد سال آینده را چنان پیریزی کرد که تأثیرات آن روز به روز بیشتر نمایان می‌گردد.

توضیح کلیه‌ی جنبه‌های گوناگون نقش جمهوری کوردستان بر ناسیونالیسم کورد در چارچوب این مقاله نمی‌گنجد، اما یادآوری عظمت جمهوری کوردستان در آزمون و در حال حاضر جایگاه ویژه‌اش در ناسیونالیسم کوردی، در سالگرد تأسیس جمهوری بعنوان کوچکترین وظیفه ضروری است، لیکن با یادآوری این واقعیت نباید یک واقعیت دیگر را فراموش کنیم و آن اینکه نقش حزب دموکرات چه بعنوان مؤسس جمهوری کوردستان و چه به لحاظ نقشی که بعنوان حزب مؤسس جمهوری کوردستان در شرایط فعلی مبارزه دارد و چه بعنوان یکی از عوامل بقا و پیشرفت ناسیونالیسم کوردی شایان تأمل است. بدون تردید جمهوری کوردستان نیز که منشأ جهانیابی و اندیشه‌ی حزب دموکرات برای مبارزه و فعالیت است، دلیل بقا و پایداری حزب دموکرات بوده‌است. اما اینکه مبارزان کورد خود را رهرو جهانیابی مؤسس جمهوری کوردستان می‌دانند، به همان شیوه‌ی که زنده‌یاد پیشوا نیز جمهوری کوردستان را ادامه‌ی قیامهای پیشین می‌دانست، مقاطع مختلف ناسیونالیسم کوردی هستند که تأثیر مستقیمی بر یکدیگر دارند و دلیل در اهتزاز ماندن پرچم آزادیخواهی نیز می‌باشند.

آمریکا، اروپا و اتحادیه عرب حمله موشکی سپاه پاسداران

به اقلیم کوردستان را به شدت محکوم کردند



یان لواسکی، وزیر امور خارجه جمهوری چک نیز از جمله مقاماتی بود که بر اهمیت حفظ ثبات و امنیت اقلیم کوردستان تأکید و حملات را محکوم کرد.

امانوئل مکرون، رئیس جمهور فرانسه هم در حاشیه مجمع داووس با مسرور بارزانی دیدار و اعلام کرد که کشورش کاملاً از اقلیم کوردستان، حمایت می‌کند.

شامگاه دوشنبه ۲۵ دی‌ماه، سپاه پاسداران رژیم ایران با چندین فروند موشک و پهپاد به نقاطی در هولیر، پایتخت اقلیم کوردستان حمله کرد که در نتیجه این حملات چند شهروند غیرنظامی کشته و شش تن نیز زخمی شدند.

روز چهارشنبه ۲۷ دی‌ماه، به درخواست عراق، اتحادیه عرب با تشکیل یک جلسه اضطراری و صدور پیش‌نویس قطعنامه‌ای، حمله سپاه پاسداران به هولیر، پایتخت اقلیم کوردستان را به شدت محکوم کرد.

این قطعنامه شامل هفت ماده است که در آن حمله سپاه پاسداران به عنوان نقض آشکار حاکمیت و امنیت مردم عراق و نقض قوانین و اصول همسایگی و بین‌المللی توصیف شده است.

در این بیانیه آمده است که این حمله، جمهوری اسلامی را مسئول تمام عواقب این نقض می‌داند و تلاشی خطرناک است که تکرار آن می‌تواند به وخامت کامل صلح و امنیت در منطقه منجر شود.

در این بیانیه همچنین بر حق عراق به عنوان یکی از اعضای مؤسس اتحادیه عرب و عضو سازمان ملل برای توسل به هرگونه اقدام دیپلماتیک و قانونی در این زمینه تأکید شده است.

نتونیو گوترش، دبیرکل سازمان ملل متحد در دیدار با مسرور بارزانی، حملات را نقض حاکمیت عراق دانست و تأکید کرد که هدف گرفتن مردم غیرنظامی، هیچ گونه توجیهی نمی‌پذیرد.

وزیر امور خارجه و مشاور امنیت ملی آمریکا نیز خطاب به نخست وزیر اقلیم تأکید کردند که راهکارهای لازم را برای حفاظت از اقلیم کوردستان در برابر حملات موشکی در پیش خواهند گرفت.

همچنین جاسم البدیوی، دبیرکل شورای همکاری خلیج، در دیدار با آقای بارزانی، هرگونه تلاش برای برهم زدن امنیت اقلیم کوردستان را محکوم کرد.



حکومت جمهوری اسلامی ایران با مانیفست ولایت فقیه بیش از چهار دهه است که به مآمن و خانه امن ترورستان منطقه‌ای و بین‌المللی بدل گشته است؛ بایستی گفت که رژیم حاکم یک جریان تروریستی بالقوه بوده که به قدرت رسید و توانست از قدرت حاکمیت خود در راستای بالفعل نمودن توانایی و خواسته‌هایش اقدام نماید و با بنا نمودن دولت بر پایه‌های ایدئولوژی تروریستی خود نه تنها به مآمنی برای دیگر تروریست‌ها تبدیل شده است بلکه عملاً به‌عنوان بزرگترین حامی، تامین کننده ابزارهای جنگی، مالی و میدانی تروریست‌ها محسوب می‌شود.

با نگاهی اجمالی و کوتاه براحتی چنین ادعایی قابل تشخیص و پیگیری است؛ این رژیم در داخل و خارج از ایران به شیوه‌های مستقیم و غیرمستقیم با گروهکهای تروریستی در ارتباط بوده و هست و گاه از این گروهکها در جهت دستیابی به اهدافش بهره برده است؛ ناگفته نماند که از گروههایی همچون حزب الله لبنان، حماس و حشدالشعبی (شاخه نزدیک به رژیم ایران) و حزب الله عراق آشکارا و علنی حمایت و تمجید می‌کند. در این راستا می‌توان از نقش و عاملیت رژیم ایران به‌عنوان نیرو محرکه تروریسم یاد کرد و با ذکر نمونه‌های برجسته که غالباً رسانه‌ای شده‌اند به چگونگی تعاملات رژیم ایران با این گروهها پرداخت. موارد زیر تنها نمونه‌های آشکار شده و مستدل در رابطه با رفتارهای تروریستی جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شوند:

- ترور بیش هزار مخالف سیاسی و عقیدتی در طی چهار دهه حکومتداری.
- انفجار سفارت ایالات متحده آمریکا در لبنان در سال ۱۹۸۳.
- ترور میکونوس در آلمان در سال ۱۹۹۲.
- بمب‌گذاری در آرژانتین در سال ۱۹۹۴.
- بمب‌گذاری در عربستان سعودی در سال ۱۹۹۶. (هر چند که بعدها القاعده آن را بر عهده گرفت اما ایران یکی از متهمین این حادثه تروریستی بود.)
- حملات یازدهم سپتامبر آمریکا در سال ۲۰۰۱. (رژیم ایران از طریق فواد مغنیه برادر عماد مغنیه از این حمله آگاهی کامل داشته است و همچنین مایک پنس مدعی شد که قاسم سلیمانی در سفر مخفیانه به افغانستان به ده نفر از دوازده عامل این حمله کم‌کهای مالی کرده است.)
- اقدام تروریستی در کنیا در سال ۲۰۱۲.
- بمب‌گذاری در بانکوک تایلند در سال ۲۰۱۲.
- بمب‌گذاری در هندوستان در سال ۲۰۱۲.
- اقدام تروریستی در بحرین در سال ۲۰۱۵.
- حمله به نفتکشهای ژاپن و نروژ در سال ۲۰۱۹.

- تلاش برای ترور سفیر عربستان در آمریکا.
- اقدامات تروریستی در عراق بعد از فروپاشی دیکتاتوری صدام حسین که تا به کنون ادامه دارد.
- طرح ترور سفیر آمریکا در آفریقای جنوبی در سال ۲۰۲۰.

- طرح‌های تروریستی افسر اطلاعات جمهوری اسلامی در کنیا در سال ۲۰۲۱.
- طرح ترور جان بولتون و مایک پمپئو در آمریکا در سال ۲۰۲۲.
- تعیین جایزه برای عامل ترور سلمان رشدی.
اینها تنها بخشی از نتایج و تلاشهای رژیم جمهوری اسلامی ایران برای اشاعه دکترین سلطه طلبانه‌اش در خاورمیانه و در سطح بین‌المللی بوده است که در این رابطه در اکثر اوقات از پوششهای رسمی و بین‌المللی دیپلماتی، بازرگانی و تجارت و اشاعه دین و مذهب بهره جسته است؛ رژیم ایران در لوی سفارتخانه‌ها، مراکز آموزش دینی و غیره در پیشبرد اهداف و نیت تروریستی خود بهره می‌گیرد.

رژیم ایران جدای از اینها از ایران به‌عنوان پایگاهی امن برای رفت و آمد و پناه گرفتن افراد تروریست استفاده می‌کند و عملاً از مشروعیت سیاسی بین‌المللیش به‌عنوان دولت و حاکمیت در راستای پیشبرد اهداف تروریستی خود بهره می‌گیرد و در این رابطه می‌توان به چند مورد اشاره کرد:

- در روزهای نخست ژانویه ۲۰۱۰ ایمان بن لادن دختر ۱۷ ساله اسامه بن لادن که گفته

تهران، جولانگاه ترورستان

سطح کنونی، هشدارهای بین‌المللی و رسمی، بسنده نمودن به صدور قطعنامه‌های گوناگون از طرق مجاریهای حقوقی بین‌المللی به رفتارهای خطرناک و تروریستی‌اش در عرصه منطقه‌ای و بین‌المللی نه تنها پایان نمی‌دهد و اقدام به گسترش حوزه نفوذش خواهد کرد بلکه به پنج دلیل محکمه پسند همچنان به صورت بهشت فعالیت‌های تروریستی در منطقه خواهد ماند:

۱- همکاری نکردن با فعالیت‌های ضد تروریستی در دنیا.

۲- عضو نبودن در نهادهای ضد پولشویی (مثل کنوانسیون مبارزه با جرایم سازمان یافته فراملی موسوم به پارمو و کنوانسیون بین‌المللی برای متوقف‌سازی تأمین مالی تروریسم) که گردش مالی گروه‌های تروریستی را تسهیل می‌کنند.

۳- مرزهای مشترک طولانی با افغانستان، پاکستان و عراق که صحنه‌های فعال استقرار و انجام عملیات تروریستی گروه‌های اسلام‌گرا محسوب می‌شوند.

۴- نشان دادن تداوم در پشتیبانی از نمایندگانش در منطقه علیه منافع دولت‌های غربی، اسرائیل و متحدان عرب آمریکا.

۵- خط مشی صدور انقلاب اسلامی، حاکمیت بر جهان اسلام و گسترش حوزه نفوذ در کشورهای منطقه و سطح بین‌الملل از طرق مختلف و توسط افراد، سازمانها و گروه‌های نیابتی.

روبرو بوده و چه بسا یکی از عوامل سبب بیشتر دامن زدن به اقدامات خصمانه، خطرناک و تروریستی این رژیم در سطوح داخلی، منطقه‌ای و گاه بین‌المللی گشته است. می‌توان پیشبینی نمود که اگر اقدامات بازدارنده در خصوص رفتارهای رژیم ایران در همین ابعاد کنونی و در چنین سطوحی باقی بماند، این رژیم بیش از پیش دنباله‌روی برنامه‌هایش در ابعاد گسترده‌تر خواهد بود. هفت اکتبر و حمله غافلگیر کننده و تروریستی حماس، نمونه بارز چنین ادعایی است که رژیم ایران آشکارا و علناً به واسطه مجاری رسمی و غیر رسمی خویش، پشتیبانی‌اش را از چنین حملات تروریستی اعلام نمود و آن را تلاش و مجاهدت در راه اسلام و انقلاب دانست و در واقع چنین تلاشهای تروریستی را از نتایج صدور انقلاب اسلامی و قدرت منطقه‌ای خویش می‌داند؛ حمله حوثیهای یمن و ایجاد ناامنی و آشوب در منطقه نیز رسماً و علناً با حمایت‌های تهران همراه بوده است و در چند روز گذشته خود رژیم نیز به شیوه محدود و در حد چند عملیات موشکی به اقلیم کوردستان عراق، سوریه و پاکستان به بهانه‌های واهی (به منطقه غیرنظامی در اقلیم کوردستان عراق که تنها منجر به کشته شدن افراد غیرنظامی بلاخص کودکان شد) به گسترش آشوب و تنشهای منطقه‌ای دامن زده است و اینها تنها حاوی یک پیام روشن و صریح برای جهانیان است که رژیم ایران با چنین اقدامات بازدارنده‌ای همچون اعمال تحریمهای اقتصادی و نظامی در ابعاد و

سپاه قدس جمهوری اسلامی گذرانده و بسیاری بر این باورند که او هنوز هم در ایران است. اعضای خانواده بن‌لادن مانند حمزه - که مشی پدر را دنبال می‌کرد- سال‌ها در ایران زندگی می‌کردند.

- بنا به گفته مایک پمپئو، رئیس پیشین سازمان (CIA) و وزیر خارجه دولت ترامپ، عبدالصالح مغربی، داماد الظواهری، نیز در ایران به‌سر می‌برده و مغربی مسئول هماهنگی نیروهای القاعده در مناطق مختلف خاورمیانه و شمال آفریقا بوده است.

- انیس نقاش عامل ترور اول و ناموفق شاپور بختیار است که در جریان آن دو نفر را کشت. وی هم‌اکنون تحلیلگر مسایل سیاسی و رئیس مرکز پژوهشی امان در ایران است.

- حضور و رفت و آمد رهبران حماس فلسطین و اعضای حزب الله لبنان به ایران طی چهار دهه سلطه رژیم جمهوری اسلامی ایران.

قتل، ترور، تهدید، ربایش افراد، طرح ریزی و ارائه همکاریهای لجستیکی، مالی، نظامی و مستشاری در صدر سیاست

های برون مرزی بلاخص منطقه ای رژیم ایران قرار دارد؛ رژیمی که بارها به‌عنوان بزرگترین حامی تروریسم از آن یاد شده است و تاکنون اقدامات بازدارندگی قدرتهای بزرگ جهانی با نتایج معکوس

شد در تهران برای خرید همراه با دو مأمور انتظامی به بازار رفته بود، فرار کرد و به سفارت عربستان سعودی در تهران پناهنده شد. گزارش‌ها حاکی از آن بود که او همراه با مادرش که یکی از چندین همسر بن لادن بود و چند تن دیگر از اعضای خانواده‌اش زیر نظر مأموران امنیتی در حومه تهران سکونت داشته است.

- سپتامبر ۲۰۱۱ روزنامه دیلی تلگراف نوشت اسنادی از ساختمان سازمان امنیت خارجی لیبی به دست انقلابیون افتاده است که نشان می‌دهد اعضای القاعده (مثلاً اسماعیل کاموکا) آزادانه به ایران رفت و آمد می‌کنند.

- در ۷ اگوست ۲۰۲۰ عبدالله احمد عبدالله ملقب به ابومحمد المصری، فرد شماره دو القاعده و نیز عروس اسامه بن لادن در منطقه پاسداران تهران و در نزدیکی خانه ابومهدی المهندس، به دست افراد ناشناس (احتمالاً مأموران برون‌مرزی اسرائیل) کشته شدند. گفته می‌شود المصری در انفجار سفارت آمریکا در نیروبی در سال ۱۹۸۸ مشارکت داشته است؛ سپاه پاسداران از او و خانواده‌اش محافظت می‌کرد.

- سیف‌العدل که از او با نام جانشین ایمن الظواهری یاد می‌کنند و او را رهبر دفاکتوی القاعده می‌دانند، بعد از حمله آمریکا به افغانستان، به ایران رفت و به‌جز سفرهای دوره‌ای به وزیرستان، بیشتر سال‌های دو دهه اخیر را تحت کنترل نیروهای امنیتی و

چرا تهران با پاکستان هسته‌ای وارد درگیری شد؟

حلقه آتش استراتژی جمهوری اسلامی برای محاصره اسرائیل از طریق نیروهای نیابتی خود در غزه، کرانه باختری، لبنان، سوریه و اردن و شعله‌های آتش دورتر از آن در عراق و یمن است. هدف این حلقه آتشین، خفه کردن دولت یهود است زیرا آیت‌الله‌ها وجود آن را مایه تاسف و پایگاه قدرت آمریکا می‌دانند و مخالفت با آن را سنگ بنای انقلاب اسلامی از زمان شروعش قرار داده‌اند.

پس از حملات هفتم اکتبر، به نظر می‌رسد همه این معادلات تغییر کرده و حلقه آتشین جمهوری اسلامی رو به خاموشی می‌رود. اسرائیل به طور پیوسته در حال تخریب نیروهای نیابتی رژیم ایران یعنی حماس و جهاد اسلامی در غزه است. ارتش اسرائیل تعداد زیادی از جنگجویان آن‌ها را می‌کشد و «زیرساخت‌های تروریستی‌شان را که به سختی ساخته شده بودند»، نابود می‌کند. از سوی دیگر به نظر می‌رسد در لبنان، حزب‌الله با دو گزینه

نشریه بریتانیایی تلگراف به علل حمله ایران به پاکستان که کشوری هسته‌ای و دارای ارتشی عظیم و مجهز است، پرداخت. بر اساس این گزارش، به نظر می‌رسد این اقدام به منظور ارسال «پیام بازدارندگی» به ایالات متحده و «پیام مقاومت» به نیروهای نیابتی در برابر آن چیزی است که انگار نقطه عطفی در سرنوشت آیت‌الله‌هاست. دیکتاتورهای در حال سقوط اغلب برای تقویت حمایت‌های داخلی به افزایش درگیری خارجی متوسل می‌شوند اما چنین اقداماتی همیشه آن‌طور که برنامه‌ریزی شده است، پیش نمی‌رود.

برای نمونه به سقوط حکومت نظامی ژنرال لئوپولدو گالتیری در آرژانتین پس از تهاجم نافرجام او به فالکلند فکر کنید.

حلقه آتش

تلگراف نوشت جمهوری اسلامی برای سال‌های متعددی در حال ساختن چیزی در اطراف اسرائیل است که «حلقه آتش» نامیده می‌شود.



هفته پیش در کرمان، حضور گروه‌های اسلام‌گرای غیرنظامی مانند داعش نیز در حال افزایش است.

گزینه آخر

آیت‌الله‌ها ممکن است نقشه دومی نیز در سر داشته باشند.

برای آن‌ها «انقلاب» همه چیز است. به همین دلیل ممکن است فکر کنند تنها راه بقای انقلاب، صدور سریع و خشونت‌آمیز آن است. چنین هدفی، مستلزم بی‌اعتبار کردن حاکمیت‌های ملی در سراسر منطقه است.

البته باید در نظر داشت که جمهوری اسلامی نمی‌تواند هم‌زمان با عربستان سعودی، پاکستان و اسرائیل مقابله کند اما همان‌طور که اعتراضات در داخل کشور کاهش می‌یابد، رهبران رژیم ممکن است آماده خودکشی به خاطر رویاهای ایدئولوژیک پیچیده‌شان باشند.

ناگوار روبرو است: جنگی بسیار ویران‌گر یا عقب‌نشینی تحقیرآمیز از شمال رودخانه لیتانی. در یمن حملات موشکی حوثی‌ها به اسرائیل کم‌رنگ شده و ایالات متحده و بریتانیا برای خنثی کردن حملات آنان به کشتی‌رانی دریای سرخ، به‌طور غیر منتظره‌ای از عملیات دفاعی به عملیات تهاجمی تغییر استراتژی داده‌اند.

فروپاشی رژیم

تلگراف در ادامه افزود با این حال، آیت‌الله‌ها به تهدیدی بسیار بزرگ‌تر از خاموش شدن «حلقه آتش» خود فکر می‌کنند: «فروپاشی رژیم».

رهبران ایران در حال پیر شدن هستند و مردم به‌طور فزاینده‌ای به دنبال شکل دیگری از حکومت.

اعتراضات گسترده ایرانیان طی ۱۶ ماه گذشته، نشان‌دهنده شدیدترین چالش مقامات جمهوری اسلامی در دهه‌های اخیر است. به نظر می‌رسد با حملات انتحاری دو

ثبت اجرای ۸۲۹ حکم اعدام در ایران طی سال ۲۰۲۳

منبع: سازمان ههنگاو

با استناد به آمار به ثبت رسیده در مرکز آمار و اسناد سازمان حقوق بشری ههنگاو، طی سال ۲۰۲۳ میلادی دستکم اجرای حکم اعدام ۸۲۹ زندانی در زندان‌های مختلف ایران ثبت شده است که حکم شش نفر از آنها در ملا عام اجرا شده است. همچنین طی سال گذشته حکم اعدام ۲۲ زن و پنج کودک مجرم نیز در زندان‌های جمهوری اسلامی ایران اجرا شده است.

این آمار نسبت به سال ۲۰۲۲ که اجرای حکم ۵۴۰ زندانی در این سال در زندان‌های جمهوری اسلامی ایران ثبت شده بود، ۲۸۹ مورد معادل ۵۳.۵٪ افزایش داشته است. این اعدام‌ها در ۲۱ استان ایران انجام گرفته و بیشترین آمار اعدام زندانیان در استان البرز ثبت شده است که ۱۶۶ مورد می‌باشد.

از مجموع ۸۲۹ زندانی که اجرای حکم اعدام آنها توسط ههنگاو ثبت شده است تاکنون هویت کامل ۶۷۸ نفر از آنها برای ههنگاو احراز شده و هویت ۱۵۱ نفر نیز در دست بررسی می‌باشد.

در این گزارش علاوه بر گزارش‌های ویژه سازمان حقوق بشری ههنگاو و همکاران ما در داخل ایران، برای مستندسازی و گردآوری اطلاعات با خانواده‌های شمار زیادی از اعدامیان تماس برقرار شده و از منابع و داده‌های چند سازمان حقوق بشری فعال دیگر در سطح ایران که مورد تایید ههنگاو هستند، استفاده شده است. همچنین برخی از موارد که توسط این سازمان‌ها منتشر شده از آنجایی که مورد تایید ههنگاو قرار نگرفته در این گزارش گنجانده نشده است و با توجه به عدم شفافیت و خطرات فراوانی که در راه آشکارسازی موارد اجرای حکم اعدام در مقابل مدافعان حقوق بشر و فعالین مدنی قرار دارد، این آمار نمی‌تواند تصویر کاملی از تمامی موارد اعدام‌ها در ایران طی سال ۲۰۲۳ میلادی باشد و یقیناً آمار واقعی بیشتر از این است.

تفکیک اعدام‌ها بر حسب اتهام

با استناد به آمار به ثبت رسیده در مرکز آمار و اسناد سازمان حقوق بشری ههنگاو، در سال ۲۰۲۳ میلادی بیشترین موارد اعدام مربوط به افرادی بوده است که به اتهام جرایم مرتبط با مواد مخدر توسط دستگاه قضایی جمهوری اسلامی ایران به اعدام محکوم شده‌اند. ۵۶٪ موارد اعدام در سال گذشته که معادل ۴۶۶ مورد است، به اتهام جرایم مرتبط با مواد مخدر به اعدام محکوم شده بودند.

مواد مخدر: ۴۶۴ مورد معادل ۵۶٪ کل موارد، فعالیت سیاسی و مذهبی: ۳۱ مورد معادل ۴٪ کل موارد، قتل عمد: ۲۹۴ مورد معادل ۳۵٪ کل موارد، تجاوز به عنف: ۲۴ مورد معادل ۳٪ کل موارد، سرقت مسلحانه: ۶ مورد معادل ۱٪ کل موارد، نامعلوم: ۱۰ مورد معادل ۱٪ کل موارد، اجرای حکم اعدام ۳۱ زندانی سیاسی و مذهبی در سال ۲۰۲۳.

طی سال گذشته دستکم حکم اعدام ۳۱ زندانی که پیشتر توسط دستگاه قضایی جمهوری اسلامی ایران به اتهام فعالیت سیاسی، مذهبی و اتهاماتی نظیر سب نبی متهم شده بودند، در زندان‌های جمهوری اسلامی ایران اجرا شده است.

برطبق این گزارش ۱۱ نفر به اتهام فعالیت سیاسی، ۶ نفر به اتهام جاسوسی برای کشورهای خارجی، ۶ نفر به دلیل حضور در جنبش "ژن، ژیان، نازادی"، ۲ نفر به اتهام حضور در اعتراضات آبان ۹۸، ۲ نفر به اتهام سب نبی و دو تبعه افغانستانی متهم

به حملات مسلحانه در شاهچراغ شیراز اعدام شده‌اند.

اجرای حکم اعدام پنج کودک مجرم در سال ۲۰۲۳

با استناد به آمار ههنگاو، طی سال ۲۰۲۳ میلادی حکم اعدام دستکم پنج کودک مجرم در زندان‌های خرم‌آباد (۲ مورد)، چابهار، سبزواری و قزلحصار کرج اجرا شده است که این پنج زندانی در حین ارتکاب جرم سن آنها زیر ۱۸ سال و کودک بوده‌اند و حتی یکی از آنها به نام حمید آذری در هنگام اجرای حکم اعدام نیز ۱۷ سال سن داشته است.

کنوانسیون حقوق کودک سازمان ملل که توسط اکثر کشورهای جهان امضا و تصویب شده، صراحتاً حقوق اساسی کودکان را تضمین می‌کند و شامل ممنوعیت استفاده از مجازات‌های سخت یا بیرحمانه، از جمله اعدام، برای افراد زیر ۱۸ سال است با این حال در زندان‌های جمهوری اسلامی ایران همچنان حکم اعدام کودکان مجرم اجرا می‌شود.

حکم اعدام دستکم ۲۲ زن در سال گذشته اجرا شد

بر طبق این گزارش، طی سال گذشته میلادی حکم اعدام دستکم ۲۲ زندانی زن در زندان‌های مختلف ایران اجرا شده است که معادل ۲.۷٪ کل موارد اعدام طی سال گذشته می‌باشد.

با استناد به آمار به ثبت رسیده در مرکز آمار ههنگاو، ۱۵ نفر (۶۸٪) از زنانی که سال گذشته اعدام شده‌اند به اتهام قتل عمد توسط دستگاه قضایی جمهوری اسلامی ایران به اعدام محکوم شده بودند. یک زن به اتهام جاسوسی برای اسرائیل و ۴ زن به اتهام جرایم مرتبط با مواد مخدر به اعدام محکوم شده بودند و اطلاع دقیقی از اتهامات سه زن دیگر که حکم آنها اجرا شده در دسترس نیست.

همچنین بیشترین زنان در زندان‌های دستگرد اصفهان و بیرجند اعدام شده‌اند که در هر کدام از این زندان‌ها ۴ زن اعدام شده‌اند. در زندان‌های مشهد، رجایی شهر کرج و کرمان نیز هر کدام دو زن و در زندان‌های رشت، زاهدان، قم، کهنوج، همدان، یاسوج، ارومیه و قزلحصار نیز هر کدام یک زن اعدام شده‌اند.

تفکیک اعدام‌ها در ایران بر حسب ملیت

با استناد به آمار به ثبت رسیده در مرکز آمار و اسناد سازمان حقوق بشری ههنگاو، بیشترین زندانیانی که در سال ۲۰۲۳ اعدام شده‌اند از اقلیت ملی بلوچ بوده‌اند که ۱۸۲ مورد معادل ۲۲.۸٪ کل موارد اعدام در سال گذشته می‌باشد. همچنین ۱۵۱ شهروند کورد معادل ۱۸.۲٪ کل موارد در زندان‌های ایران اعدام شده‌اند.

بر طبق این گزارش، ۵۵ زندانی ترک،



۴۸ زندانی لر و لر بختیاری، ۲۸ زندانی تبعه افغانستان، ۲۷ زندانی گیلک، ۹ زندانی عرب، ۹ زندانی ترکمن و دو زندانی دو تابعیتی نیز سال گذشته در زندان‌های جمهوری اسلامی ایران اعدام شده‌اند.

همچنین، از مجموع زندانیان اعدام شده ۱۶۸ نفر از ملت فارس و اطلاعات دقیقی درباره ملیت ۱۵۵ زندانی دیگر در دسترس نیست.

اجرای حکم اعدام زندانیان کورد نسبت به سال قبل ۱۹۰٪ افزایش داشته است

با استناد به آمار به ثبت رسیده در مرکز آمار و اسناد سازمان حقوق بشری ههنگاو، در سال گذشته دستکم حکم اعدام ۱۵۱ زندانی کورد در زندان‌های جمهوری اسلامی ایران اجرا شده است که این آمار نسبت به سال ۲۰۲۲ دستکم ۹۹ مورد معادل ۱۹۰٪ افزایش داشته است. در سال ۲۰۲۲ حکم اعدام ۵۲ زندانی کورد اجرا شده بود.

همچنین، در سال گذشته دستکم ۹ زندانی سیاسی کورد اعدام شده‌اند که معادل ۳۰٪ کل زندانیانی است که به اتهام فعالیت سیاسی و مذهبی در کل ایران طی سال گذشته اعدام شده‌اند. بیشترین زندانیان کورد که ۸۸ مورد (۵۸٪) می‌باشد به اتهام جرایم مرتبط با مواد مخدر اعدام شده‌اند. همچنین ۵۳ زندانی به اتهام قتل عمد، ۹ زندانی به اتهام فعالیت سیاسی و مذهبی و یک زندانی نیز به اتهام تجاوز به عنف به اعدام محکوم و حکم آنها اجرا شده است.

در سال ۲۰۲۳ بیشترین اجرای حکم اعدام زندانیان کورد در زندان مرکزی ارومیه اجرا شده است که ۲۸ مورد می‌باشد. در زندان قزلحصار کرج ۲۰ زندانی، زندان مرکزی کرمان ۱۶ زندانی، زندان پارسیلون خرم‌آباد ۱۵ زندانی، زندان مرکزی سنندج ۱۴ زندانی، زندان مرکزی همدان ۹ زندانی، زندان مرکزی ایلام ۷ زندانی و در زندان‌های اراک و سلماس هر کدام ۴ زندانی، در زندان سقز ۳ زندانی و در زندان رشت نیز ۲ زندانی کورد اعدام شده‌اند.

همچنین در هر یک از زندان‌های اردبیل، الیگودرز، بندرعباس، بیرجند، خوی، دزفول، زاهدان، شیراز، شیروان، ماکو و نقده هر یک حکم اعدام یک زندانی کورد اجرا شده است.

یک پنجم اعدام‌های سال گذشته در زندان‌های استان البرز اجرا شده است

با استناد به آمار ههنگاو، طی سال ۲۰۲۳ دستکم حکم اعدام ۱۶۶ زندانی در سه زندان استان البرز (رجایی شهر، زندان مرکزی کرج و قزلحصار) اجرا شده است که معادل ۲۰٪ کل اعدام‌ها در سال گذشته می‌باشد.

پس از استان البرز، بیشترین اجرای حکم اعدام ثبت شده در زندان‌های استان سیستان و بلوچستان با ۶۹

مورد می‌باشد. همچنین در زندان‌های استان کرمان ۶۸ مورد، استان فارس ۵۶ مورد، استان اصفهان ۵۰ مورد، استان خراسان جنوبی ۴۶ مورد، استان آذربایجان غربی (ارومیه) ۴۴ مورد، استان لرستان ۴۳ مورد، استان هرمزگان ۳۳ مورد، استان مرکزی ۲۳ مورد، استان همدان ۲۲ مورد و استان‌های گیلان، خراسان رضوی و آذربایجان شرقی هر کدام ۲۱ مورد اعدام ثبت شده است.

در زندان‌های استان‌های سنندج و کرمانشاه هر کدام ۱۸ مورد، اردبیل ۱۷ مورد، خوزستان ۱ مورد، گلستان و قزوین هر کدام ۱۲ مورد، قم ۱۰ مورد، زنجان ۹ مورد، ایلام و کهگیلویه و بویراحمد هر کدام ۷ مورد، یزد ۶ مورد و خراسان شمالی نیز ۴ مورد اعدام ثبت شده است.

با استناد به آمار ههنگاو، در زندان‌های استان سمنان ۲ مورد اعدام ثبت شده و کمترین آمار اعدام در استان‌های تهران و بوشهر هر کدام یک مورد ثبت شده است. همچنین مکان دو نفر از زندانیانی که اعدام شده‌اند نامعلوم می‌باشد.

اجرای حکم اعدام شش زندانی در ملا عام

اعدام در ملا عام بی‌احترامی آشکار به کرامت انسانی است و نمی‌تواند هیچ جایگاهی در یک جامعه مدنی داشته باشد. این نوع مجازات با عنوان یک ابزار سیاسی برای ترساندن و سرکوب مخالفین مورد استفاده قرار می‌گیرد و با اصول دموکراتیک در تضاد است. جمهوری اسلامی ایران همیشه برای ایجاد فضای رعب و وحشت در جامعه از این ابزار سود جسته است.

بر طبق این گزارش در سال ۲۰۲۳ میلادی دستکم حکم اعدام ۶ زندانی از جمله دو تبعه افغانستان متهم به حمله مسلحانه به شاهچراغ شیراز در ملا عام اجرا شده است.

این شش مورد اعدام در ملا عام در شهرهای شیراز (۲ مورد)، فولادشهر اصفهان (۲ مورد) و در شهرهای بندرپلیم و مراغه هر کدام ۱ مورد اجرا شده است.

نتیجه‌گیری؛

ههنگاو باور دارد، سیاست جمهوری اسلامی در رابطه با نقض گسترده حقوق بشر، خصوصاً از طریق اعدام‌های گسترده، تنها زمانی قابل پیگردهای بین‌المللی می‌شود که جزئیات و اشکال متفاوت اعدام‌ها از طریق بررسی آمار ثبت شده این اعدام‌ها در رابطه با گروه‌های مختلف اجتماعی قابل پیگیری و مشاهده باشد.

از همین رو، سازمان حقوق بشری ههنگاو، ضمن هشدار در رابطه با تشدید مکانیسم سرکوب‌گر اعدام در جریان جنبش ژن، ژیان، نازادی در ایران، باور دارد که جامعه جهانی و نهادهای بین‌المللی در رابطه با پیگیری نقض حقوق بشر در دنیا، باید مواضع شدیدتری در رابطه با نقض حقوق بشر از طریق اعدام‌ها اتخاذ کنند.

یکی از سیاست‌های جمهوری اسلامی در رابطه با حفظ مکانیسم اعدام به‌عنوان یک ابزار سرکوب، اعدام گسترده شهروندانی است، که به دلایل مختلف از جمله فقر، تبعیض سیستماتیک بر اساس گروه اتنیکی و همینطور عدم شفافیت دستگاه قضایی جمهوری اسلامی بی‌نام اعدام می‌شوند. نهادهای بین‌المللی موظف هستند پیامدهای جدی عملی خود را در رابطه با اعدام‌های افسارگسیخته جمهوری اسلامی اعمال کنند و این اعدام‌ها را به‌عنوان بخشی از سیاست کشتار جمهوری اسلامی دسته‌بندی کنند.

دومین جایزه «زارا» به ماموستا امینه عمر اهدا شد

کوردستان ایران و ده‌ها تن از شخصیت‌های ادبی، زبان کوردی و... برگزار شد.

همچنین در این مراسم بر ارزش‌های زبان کوردی بعنوان ستون هویتی ملت کورد تاکید شد و از تمام مبارزانی که در هر چهار بخش کوردستان برای زنده نگه داشتن و توسعه زبان کوردی مبارزه می‌کنند، تقدیر شد.

دومین جایزه سالانه «زارا» برای زبان کوردی، از بین ۲۰ کاندید منتخب از هر چهار بخش کوردستان، از سوی هیئت داور «کوردشوپ» به «امینه عمر» معروف به «دختر کورد» اهدا شد.

این جایزه از سوی ماموستا «عبدالله حسن‌زاده»، سیاستمدار، زبان‌شناس، نویسنده و مترجم نامی کورد به «خاله محمد» نماینده امینه عمر تقدیم شد.

در بخش‌های دیگر این مراسم پیام‌های تصویری امینه عمر از آلمان و زارا محمدی از سنندج به نمایش درآمد. ماموستا امینه عمر (معروف به دختر کورد) نویسنده، شاعر، روزنامه‌نگار و مدرس زبان کوردی در سال ۱۳۲۶ در روستای «خریب جهویان» از توابع شهر «جزیر» در روژاوی کوردستان به دنیا آمد. وی تاکنون ۱۵ کتاب به زبان کوردی و دو ترجمه از عربی نوشته است.



«کوردشوپ»، دومین جایزه سالانه زبان کوردی خود که تحت عنوان «جایزه زارا» را به امینه عمر اهدا کرد.

بعد از ظهر یکشنبه ۱۷ دی‌ماه، «کوردشوپ» طی مراسمی ویژه، دومین جایزه زارا برای زبان کوردی را به امینه عمر، معروف به «دختر کورد»، نویسنده و مدرس زبان کوردی اهل روژاوی کوردستان اهدا کرد. این مراسم با حضور ماموستا «عبدالله حسن‌زاده»، سیاستمدار و شخصیت نامی سیاسی کورد و چندین تن از مبارزان حزب دمکرات

سلیمانیه - برگزاری مراسم تقدیر از ماموستا شریف حسین‌پناهی



کانون «چهارباغ» و «پرژه‌ی قفتان» در شهر سلیمانیه مراسم تقدیر از شاعر، زبان‌شناس، مدرس و مؤسس کورسهای آموزش زبان کوردی در کوردستان، ماموستا «شرف حسین‌پناهی» را برگزار کردند.

این مراسم روز پنج‌شنبه، ۲۸ دی‌ماه و با مشارکت طیفی از اشخاص سیاسی، ادبی، و آکادمیک چهار بخش کوردستان و با حضور جمعی از اشخاص سیاسی و دیگر نمایندگان احزاب کوردستان و حزب دمکرات کوردستان ایران برگزار شد. چاپ مجدد کتاب دیوان «ملکوانکه‌ی شین (مجموعه شعرهای)» ماموستا شریف حسین‌پناهی در میان حضار پخش شد.

در ابتدای مراسم «جواد حیدری»، نویسنده و مترجم به‌عنوان مجری مراسم مختصری از زندگی‌نامه‌ی ماموستا شریف حسین‌پناهی را قرائت کرد و سپس «ه‌فال ابوبکر» استاندار سلیمانیه درخصوص شخصیت ماموستا شریف سخنانی ایراد کرد و به روابط فرهنگی میان جنوب و شرق کوردستان و به‌ویژه سنندج و سلیمانیه و همچنین تأثیرگذاری ماموستا شریف حسین‌پناهی بر این روابط پرداخت.

پیام مشترک کانون «چهارباغ» و پروژه‌ی قفتان توسط «عبدالله رسولی»، عضو هیئت اجرایی کانون چهارباغ و پیام کانون نویسندگان کوردستان توسط «جلیل عباسی» در دو بخش دیگر مراسم قرائت شد. در بخش دیگر مراسم «صالح بیچار و بندی علی»، دو تن از اشخاص ادبی کوردستان درخصوص شخصیت، کار و فعالیت‌های ماموستا شریف و جایگاه والای ادبی ایشان برای حضار سخنرانی کردند.

در این مراسم جایزه کانون «چهارباغ» و پروژه‌ی قفتان به مناسبت اطلاع‌رسانی خانواده ماموستا شریف در رابطه بهبود وضعیت سلامتی ایشان، از طرف «ستران عبدالله» به قیاد کریمی اهدا شد و سپس جایزه‌ی این دو کانون ادبی توسط د. «شیرکوه عبدالله»، سردبیر اتحادیه‌ی نویسندگان کورد- سلیمانیه به د. زامدار محمدرسول در رابطه با تلاش وی درخصوص مداوای سلامتی ماموستا شریف اهدا گردید.

در بخش دیگر مراسم، جایزه‌ی ویژه مرکز «چهارباغ» و پروژه‌ی قفتان به خانواده‌ی ماموستا شریف تقدیم شد که «گوران فرزند ماموستا شریف به نمایندگی از خانواده‌اش جایزه را دریافت کرد. در بخش پایانی مراسم نیز دیوان شعر ماموستا شریف حسین‌پناهی در میان حضار توزیع شد.

پات رایدر: در اقلیم کوردستان و عراق می‌مانیم



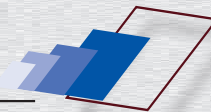
سخنگوی وزارت دفاع آمریکا، گفت که در مورد خروج نیروهایشان از عراق بحث جدیدی در میان نیست و برای رویارویی با داعش در اقلیم کوردستان و عراق خواهند ماند.

پات رایدر، سخنگوی وزارت دفاع آمریکا، روز پنجشنبه ۱۱ ژانویه در یک کنفرانس خبری درباره حملات گروه‌های شبه‌نظامی به اقلیم کوردستان، اظهار داشت: «آن حملات خطرناک هستند و مطمئناً در میان مردم ترس ایجاد کرده‌اند، این تحرکات نادرست گروه‌های شبه‌نظامی، غیرمسئولانه هستند.» وی افزود که ماموریت آمریکا در اقلیم کوردستان و عراق، رویارویی با داعش است، اما «بدون تردید» برای دفاع از نیروهایشان، عملیات نظامی انجام خواهند داد.

درباره تداوم حضور نیروهایشان در اقلیم کوردستان و عراق نیز گفت: «با دولت عراق مدام رایزنی می‌کنیم، تاکنون در مورد خروج آمریکا از عراق هیچ بحث جدیدی در میان نیست و ما به درخواست رسمی عراق در این کشور حضور داریم.» و نیز تاکید کرد که برای رویارویی با داعش در اقلیم کوردستان و عراق خواهند ماند و به عراق همچون یک شریک مهم خود می‌نگرند. پات رایدر، یادآور شد که در ماه‌های گذشته ۵۲ بار به نیروهای ائتلاف در عراق و ۷۷ بار به آن نیروها در سوریه حمله شده است.

تبعات صدور انقلاب انقلاب پس از چهار دهه

قبل از خداحافظی



ادامه‌ی سیاست «صدور انقلاب» بر جنگ نامتقارن بیشتر تاکید کرد. جنگی که جمهوری اسلامی از طریق گروه‌های نیابتی‌اش تاکنون با درنظر گرفتن شعار جنگ با شیطان بزرگ (آمریکا) و شیطان کوچک (اسرائیل) ادامه می‌دهد. جمهوری اسلامی پس از پایان جنگ توانست نفسی را تازه کند و بیشتر به حامیانش در کشورهای فلسطین، لبنان، سوریه، یمن و... با مستقرکردن پایگاه‌های نظامی و حضور سپاه قدس پاسداران این کشورها را بیشتر ناامن کرده است و به میدان نبرد جمهوری اسلامی تبدیل شده است.

هم‌اکنون بیش از سه ماه از جنگ میان اسرائیل و حماس می‌گذرد. جنگی که نخست سازمان حماس تحت نام عملیات «طوفان القسی» و با حمله‌ی هوایی و زمینی به خاک اسرائیل آن را شروع کرد سپس اسرائیل تحت نام عملیات «شمشیر آهنین» به منظور انتقام آن را ادامه داد. آنچه حائز اهمیت است این می‌باشد یک هفته قبل از شروع جنگ علی‌خامنه‌ای طی سخنانی در میان هوادانش رو به کشورهای عربی درخصوص عادی‌سازی روابطشان با اسرائیل اعلام کرد که شما بر اسب مرده معامله می‌کنید زیرا اسرائیل

لاریجانی» در نخستین سالهای زمامداری جمهوری اسلامی مطرح شد و منظور از این تز حکمرانی بر کشورهای اسلامی بود که می‌توان به‌عنوان مکمل اندیشه‌ی ولایت فقیه آن را محسوب کرد. سیاست «صدور انقلاب» سبب شد کشورهای منطقه درخصوص تأثیرگذاری و نفوذ و آشوبگری جمهوری اسلامی در در امور داخلی‌شان بیم و وحشت داشته باشند. همین موجب شد که کشورهای منطقه با احتیاط رفتار کنند. برای نمونه در سال ۱۹۸۱ شش کشور عرب حاشیه‌ی خلیج، شورای همکاری خلیج را تأسیس کردند. در همین برهه دولت وقت عراق که اکثر شهروندانش شیعه مذهب بودند، برای جلوگیری از گسترش سیاست شیعه‌گری جمهوری اسلامی با این رژیم اعلان جنگ کرد. جنگی که به مدت ۸ سال به دراز کشید و در نتیجه جمهوری اسلامی مجبور به امضای قطعنامه‌ی ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل شد و خمینی آن را به نوشیدن جام زهر تشبیه کرد.

اما پس از جنگ ایران و عراق جمهوری اسلامی به منظور گسترش سیاست آشوبگرانه‌اش در منطقه و تجاری‌سازی از جنگ ایران و عراق داشت و برای

اسلامی براساس این نوع تفکر بنا نهاده شده است. ایده‌ای که به‌عنوان یک مکتب در میان پیروان شیعه دوازده امامی، ولی فقیه نماینده خدا، پیامبر، امامان شیعه تعریف می‌کند و تا زمان ظهور امام زمان به ادعای خودشان رهبری امت واحد اسلامی را برعهده دارد و خود حق و دیگر شاخه‌های مذهب اسلام را ناحق قلمداد می‌کند و دارای قدرت مطلق می‌باشد. همچنین ولایت فقیه یک تئوری است که خمینی بر این باور بود برای آزادکردن مستضعفین جهان از دست کفار ضروری است برای دین اسلام تبلیغ کنیم و انقلاب را به خارج از مرزهایمان صادر نماییم. خمینی در بخشی از سخنانش در تاریخ ۱۴ ژانویه‌ی سال ۱۹۸۰ می‌گوید: «ما اکنون در جنگ با کفار هستیم و از تمامی کشورهای اسلامی می‌خواهیم که برای جنگ با کفار به ما ملحق شوند.» همچنین خمینی در پیامی دیگر در نوروز سال ۱۳۵۹ می‌گوید: «ما باید سعی کنیم که انقلاب خود را به سراسر جهان صادر کنیم.» در این میان حسینعلی منتظری به‌عنوان جانشین بیشترین نقش را ایفا کرد. در کنار اندیشه‌ی ولایت فقیه گفتن «ام القری» یعنی مادر مسلمانان توسط «محمدجواد

دیکو دانا

انقلاب خلق‌های ایران که سرنگونی رژیم پادشاهی و روی کار آمدن جمهوری اسلامی را به‌دنبال داشت، جریانی بود خارومیانه را به سمت و سودی دیگر برد و جناح راست افراطی اسلامی به رهبری آیت‌الله خمینی و پیروانش با تأسیس رژیم اسلامی پس از امپراطوری صفوی بار دیگر اسلام سیاسی شیعه دوازده امامی را احیا کردند. اما روی کار آمدن جمهوری اسلامی و شکل‌گیری آن در ایران تنها و تنها در چهارچوب مرزهای این کشور نه‌ماند، بلکه رژیم اسلامی ایران به منظور ایجاد هلال شیعه در منطقه سیاست «صدور انقلاب» را در پیش گرفت.

سیاست «صدور انقلاب» به‌عنوان استراتژی سیاسی در بطن خود حاوی مفهوم ولایت فقیه است که جمهوری